

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و سوم، شماره نود و یکم

پائیز ۱۴۰۱

تأثیر خاندان مهزیار در انتقال و گسترش علوم و معارف شیعی

بر اساس متون روایی شیعه از سده سوم تا هفتم هجری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۳۰

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۲/۱۱

۱ برات الله حمیدی منش
۲ زینب امیدیان
۳ علی یحیائی

خاندان‌های شیعی، چه در دوره حضور ائمه علیهم‌السلام و چه پس از آن، نقش مهمی در حفظ و انتقال میراث شیعی به نسل‌های بعد بر عهده داشته‌اند. آل مهزیار، از جمله این خاندان‌ها هستند که از اواسط سده دوم تا سده چهارم هجری در اهواز می‌زیستند و اغلب افراد آن، از اصحاب و راویان احادیث امامان علیهم‌السلام بودند. این مقاله می‌کوشد تا به بررسی سهم این خاندان در انتقال و گسترش علوم شیعی بر پایه روش تحقیق تاریخی بپردازد. استخراج و واکاوی روایات نقل شده از خاندان مهزیار در منابع اصلی روایی شیعه از قرن سوم تا هفتم که ۸۸ درصد آن در متون قرن پنجم و ششم بازتاب یافته، نشان می‌دهد که آل مهزیار در عرصه‌های: حدیث، فقه، کلام، تفسیر و تاریخ فعالیت

۱. کارشناس ارشد تاریخ تشیع، دانش‌آموخته دانشگاه حکیم سبزواری: (hamidibarat1352@gmail.com).

۲. استادیار گروه تاریخ تشیع، دانشکده الهیات، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، (نویسنده مسئول): (z.omidiyan@hsu.ac.ir).

۳. استادیار گروه تاریخ تشیع، دانشکده الهیات، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار: (a.yahyaei@hsu.ac.ir).

داشته‌اند و در این میان، نقش‌آفرینی آنها در عرصه فقه و کلام بیشتر بوده است و ۶۲ درصد از این احادیث، در بردارنده موضوعات فقهی و ۲۱ درصد آن، مربوط به موضوعات کلامی است. علم، وثاقت و جایگاه خاندان مهزیار نزد ائمه علیهم‌السلام، سبب حفظ روایات آنها و راهیابی آن به منابع متأخر شده است.

کلیدواژگان: خاندان مهزیار، خاندان‌های شیعی، اهواز، احادیث فقهی، احادیث کلامی.

مقدمه

یکی از مسائل مهم و قابل‌ملاحظه در تاریخ تشیع، نقشی است که خاندان‌های شیعی در آن ایفا می‌کرده‌اند. در عصری که ائمه علیهم‌السلام به دلیل نظارت و کنترل حاکمان سیاسی نمی‌توانستند با مردم ارتباط مستقیم داشته باشند، جامعه شیعی برای اخذ و انتقال اخبار و روایات ائمه علیهم‌السلام نیازمند افرادی بود که از عهده این امر برآیند. معمولاً در چنین اوضاعی، این کار مهم به صورت موروثی انجام می‌گرفت. در نتیجه، در تاریخ شیعه، شاهد حضور خاندان‌های گوناگون در ادوار مختلف تاریخی هستیم. حضور این خاندان‌ها، موجب بقا و دوام حیات شیعه و انتقال اندیشه‌ها و آموزه‌های دینی و فقهی ائمه علیهم‌السلام به نسل‌های متأخر شده است. آل مهزیار، یکی از این خاندان‌های شیعی بود که در برهه‌ای از تاریخ، با محوریت علی بن مهزیار (م. ۲۵۴ق)، منشأ خدمات علمی و فرهنگی به جوامع شیعی شدند و در علوم متداول در حوزه‌های شیعی تأثیرگذار بودند. از این رو، ضرورت شناخت این خاندان، به‌وضوح نمایان می‌شود و محققان حوزه تاریخ تشیع، نمی‌توانند آنان را نادیده بگیرند.

در باره پیشینه تحقیق حاضر می‌توان گفت، پژوهش‌هایی که تا کنون در باره خاندان مهزیار انجام شده‌اند، به بررسی جایگاه علمی خاندان مهزیار و تأثیر آنان در علوم و معارف

شیعی نپرداخته‌اند؛ برای نمونه، مقاله «بازیابی و اعتبارسنجی آثار علی‌بن‌مهزیار با تکیه بر بخش اصول کتاب الکافی» که نویسنده صرفاً به طرق روایان قرن چهارم و پنجم به کتاب‌های علی‌بن‌مهزیار در بخش اصول کافی توجه نموده و به بررسی روایات و احادیث این خاندان در متون روایی شیعه نپرداخته است. و نیز کتاب هم‌قدم با آفتاب؛ زندگی‌نامه علی‌بن‌مهزیار/اهوازی و خدمات خاندان مهزیار به اسلام و تشیع^۱ اشاره کرد که نویسنده برخلاف عنوان کتاب، صرفاً به شرح زندگانی این خاندان و بیان حکایت‌های ملاقات افراد آن با ائمه علیهم‌السلام پرداخته و نیز بخش عمده اثر خود را به مسکن و مدفن علی‌بن‌مهزیار اختصاص داده است. همچنین، مقالات «علی‌بن‌مهزیار ال‌اهوازی^۲» و «رجال نامی خوزستان را بشناسید (علی‌بن‌مهزیار اهوازی)^۳» نیز تنها به زندگی و شرح حال علی‌بن‌مهزیار پرداخته‌اند. در این میان، می‌توان از دو پژوهش عالمانه با عناوین «مناسبات فکری دو حوزه علمی تشیع قم و اهواز در قرن‌های دوم و سوم هجری^۴» و «مواجهه حوزه اهواز با فرقه‌های مذهبی تبیین اعتقادات شیعی در دوران ابناء الرضا علیهم‌السلام»^۵ یاد کرد

۱. ر.ک: محمدمین زرگر، ۱۳۹۵، هم‌قدم با آفتاب؛ زندگی‌نامه علی‌بن‌مهزیار/اهوازی و خدمات خاندان مهزیار به اسلام و تشیع، اهواز، انتشارات خوزستان.

۲. امین حسین پوری، «علی‌بن‌مهزیار ال‌اهوازی»، حدیث و اندیشه، بهار و تابستان ۱۳۸۲، ش ۵ و ۴، ص ۱۲۳ - ۱۳۸.

۳. سید محمدحسن جزایری، (۱۳۴۳)، «رجال نامی خوزستان را بشناسید (علی‌بن‌مهزیار اهوازی)»، فلسفه و کلام دانشوران، تیر ۱۳۴۳، ش ۳، ص ۳۶ - ۴۰.

۴. محمدرضا هدایت‌پناه، و قاسم خانجانی، «مناسبات فکری دو حوزه علمی تشیع قم و اهواز در قرن‌های دوم و سوم هجری»، تاریخ اسلام، سال ۱۷، زمستان ۱۳۹۵، ش ۴، ص ۷ - ۵۱.

۵. محمدرضا هدایت‌پناه، «مواجهه حوزه اهواز با فرقه‌های مذهبی و تبیین اعتقادات شیعی در دوران ابناء الرضا علیهم‌السلام»، سخن تاریخ، ش ۲۶، ص ۲۲۱ - ۲۴۸.

که در آنها هرچند نویسندگان با توجه به موضوع و رویکرد پژوهش خود، به برخی از فعالیت‌های خاندان مهزیار توجه داشته‌اند، اما چون موضوع و مسئله‌ای متفاوت با نوشتار حاضر داشته‌اند، به ارزیابی و استخراج روایات و احادیث آل مهزیار پرداخته‌اند و سهم خاندان مهزیار در علوم و معارف شیعی بر اساس متون سده سوم تا هفتم را مورد بررسی قرار نداده‌اند.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، با وجود اهمیت این خاندان در تاریخ تشیع و انعکاس روایت‌های آنان در دوره‌های بعد، تاکنون پژوهشی مستقل در باب تأثیر علمی خاندان مهزیار صورت نگرفته است. بدین روی، مقاله حاضر با رویکردی متفاوت و با تکیه بر روایت‌ها و احادیث برجای مانده از این خاندان در متون روایی شیعه تا قرن هفتم، به بررسی نقش و عملکرد علمی این خاندان می‌پردازد. بنابراین، مقاله در پی پاسخ به این پرسش‌هاست: خاندان مهزیار چه تأثیری در توسعه علمی و فرهنگی شیعه و انتقال آن میراث در جوامع روایی شیعه داشته است؟ خاندان مهزیار در کدام یک از حوزه‌های علمی بیشتر تأثیر گذاشته‌اند؟

در مقاله حاضر که با روش تحقیق تاریخی انجام شده است، به منظور پاسخ به پرسش‌های مذکور، پس از معرفی اجمالی از خاندان مهزیار، به عملکرد علمی این خاندان در عرصه‌های مختلف علمی چون: حدیث، فقه، کلام، تفسیر، تاریخ و دیگر علوم پرداخته می‌شود که این دسته‌بندی با توجه به محتوای روایت‌های آنان حاصل آمده است. همچنین، برای روشن نمودن تأثیر علمی آل مهزیار و درکی انضمامی‌تر از این موضوع، جداول و نمودارهایی تنظیم شده است که از تفحص در آثار روایی و استخراج روایات آنان در متون متأخر به دست آمده است.

نگاهی تحلیلی به زندگی و آثار آل مهزیار

آل مهزیار، فرزندان مهزیار (متوفای سده دوم هجری) و برخاسته از دورق^۱ اهواز بودند که در نیمه اول سده دوم از نصرانیت به اسلام گرویده بود. مهزیار، پنج پسر به نام‌های: علی، ابراهیم، داود، احمد و اسماعیل داشت^۲ که همه آنان از محدثان و دانشمندان شیعه به شمار می‌آیند. در این میان، علی بن مهزیار (م. ۲۵۴ق) بارزترین شخصیت این خاندان است. او در نیمه قرن دوم هجری چشم به جهان گشود^۳، در اهواز رشد و نمو یافت و نزد عالمان بزرگ شیعی چون: حسین بن سعید اهوازی (م. ۲۵۰ق)، حسن بن سعید اهوازی (م. ۲۵۴ق)، فضال بن ایوب الازدی (اواسط سده سوم) و عبدالله بن جندب (م. ۲۰۰ق) تعلیم یافت^۴ که همه از اصحاب ائمه عليهم السلام و مورد وثوق ایشان بودند.

۱. نام شهری قدیمی، از شهرهای خوزستان که به «دورق الفرس» هم شهرت داشت و خرابه‌های آن، در نزدیکی شادگان کنونی قرار دارد. (ر.ک: یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۴۸۳؛ مقدسی، أحسن التقاسیم، ج ۱، ص ۳۹؛ نجم الدوله، سفرنامه دوم نجم الدوله به خوزستان، ص ۵۷)
۲. ر.ک: نجاشی، رجال نجاشی، ص ۱۶ و ۲۵۳؛ طوسی، رجال طوسی، ص ۳۶۰، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶ و ۳۸۳؛ صفار، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، ج ۱، ص ۲۲؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۰۱.
۳. برای اطلاعات بیشتر در باره زندگی وی، ر.ک: کشی، رجال کشی، ص ۵۴۸ - ۵۵۱؛ طوسی، رجال طوسی، ص ۳۶۰؛ نجاشی، رجال نجاشی، ص ۲۵۳ - ۲۵۴؛ ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۶۳.
۴. نجاشی، رجال نجاشی، ص ۲۵۳ - ۲۵۴.
۵. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک: طوسی، تهذیب الأحکام، ۲۸۱/۱، ۱۴۰/۲، ۱۴۲/۲، ۱۴۳/۲، ۱۷۰/۲، ۱۹۰/۲، ۲۵۴/۲، ۲۹۰/۲، ۲۹۴/۲، ۳۲۳/۲، ۳۲۵/۲، ۳۶۱/۲، ۳۶۴/۲، ۳۶۷/۲، ۳۷۵/۲، ۱۶/۳، ۲۱/۳، ۱۴۹/۳، ۱۶۸/۳، ۱۲۱/۴، ۴۶۳/۵، ۴۶۴/۵، ۴۶۶/۵، ۴۷۲/۵ و ۴۷۴/۵؛ کلینی، الکافی، ۸۲/۲، ۴۲۷/۲، ۱۴۷/۳، ۲۵۸/۳، ۲۷۶/۳، ۲۸۴/۳، ۲۸۸/۳، ۳۱۷/۳، ۳۴۲/۳، ۳۴۷/۳، ۳۵۱/۳، ۳۵۵/۳، ۳۶۵/۳، ۳۶۶/۳، ۳۸۹/۳، ۴۰۲/۳ و ۴۰۶/۳؛ همان، ۵۴۷/۱، ۴۷/۳، ۷۷/۳، ۸۲/۲، ۲۵۸/۲ و ۳۴۳/۳.
۶. صدوق، من لا یحضر الفقیه، ج ۴، ص ۴۴۶.

علی بن مهزیار، خود نیز مورد اعتماد ائمه علیهم السلام بود؛ به طوری که وکالت امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام را به عهده داشته است؛^۱ هر چند ابن شهر آشوب (م. ۵۸۸ق)، علی بن مهزیار را در کنار علی بن یقین (م. ۱۸۲ق) و دیگر بزرگان شیعی، از خواص امام موسی کاظم علیه السلام معرفی می کند؛^۲ ولی این سخن او قابل نقد است؛ چون نخستین ارتباط علی بن مهزیار، از طریق حسن بن سعیداهوازی با امام رضا علیه السلام بوده است^۳ و روایات برجای مانده از وی، این گفته را اثبات می کند. همچنین، ابن مهزیار پس از شهادت امام رضا علیه السلام، در جست و جو برای دیدن جانشین ایشان، به مدینه رفت و با امام جواد علیه السلام ملاقات کرد.^۴ اعتماد ائمه علیهم السلام به علی بن مهزیار تا بدانجاست که نام امام پس از خویش را به او می گویند.^۵ او نزد ائمه علیهم السلام منزلتی بسیار داشته؛ به طوری که امام جواد علیه السلام از او تجلیل کرده و او را شایسته بهشت دانسته است.^۶ نجاشی (م. ۴۵۰ق) و علامه حلی (۷۲۶ق) در باره علی بن مهزیار آورده اند که در نقل روایت، مورد اطمینان بوده و دارای اعتقاداتی درست بود و هیچ گونه ملامت و نکوهشی بر وی نیست.^۷

همچنین، در منابع رجال و فهارس، بیش از سی اثر در موضوعات متنوع: حدیث، فقه، کلام، تاریخ، تفسیر قرآن و... را به ابن مهزیار نسبت داده اند.^۸ متأسفانه، این آثار در گذر

۱. نجاشی، رجال نجاشی، ص ۲۵۳.

۲. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۲۵.

۳. طوسی، رجال الطوسی، ص ۳۵۴.

۴. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۸۲.

۵. مسعودی، اثبات الوصیة، ص ۲۴۴. این کتاب، منسوب به مسعودی است.

۶. طوسی، رجال الطوسی، ص ۳۴۹؛ کشی، اختیار معرفة الرجال (مع تعلیقات میرداماد -

الأسترآبادی)، ج ۲، ص ۸۲۶ - ۸۲۷.

۷. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۲۵۳؛ علامه حلی، رجال العلامة الحلی، ص ۹۲ - ۹۳.

۸. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۲۵۳ - ۲۵۴؛ طوسی، فهرست کتب الشیعة و اصولهم، ص ۲۶۵ - ۲۶۶.

تاریخ از بین رفته‌اند؛ اما گزارش منابع تاریخی، رجالی و روایی، از وجود و رواج آنان تا چند قرن بعد و انتقال روایات آنان به سده‌های بعد حکایت دارند.

افزون بر این، علی‌بن‌مهزیار شاگردانی را پرورش داده که بر اساس روایاتی که از او در کافی بیان شده، می‌توان گفت، تعداد شاگردانش به ۲۲ نفر می‌رسند؛ بزرگانی چون: ابوعبدالله برقی (م. قرن سوم)، ابراهیم‌بن‌هاشم قمی (متوفای حدود نیمه قرن سوم)، احمدبن محمدبن عیسی (م. سده سوم) و عباس‌بن‌معروف (م. ۲۵۴ق)، در شمار آنان آمده‌اند.^۱ شماری از شاگردان علی، از محدثان صاحب‌نام قمی‌اند.^۲ بهره‌گیری محدثان قمی از روایات علی‌بن‌مهزیار، حاکی از وثاقت و صحت احادیث اوست.^۳ همچنین، میراث علمی وی، به جوامع حدیثی متأخر راه یافت. از این‌رو، در زنجیره سند احادیث و روایات متعدد، نام وی دیده می‌شود؛ چنان‌که کلینی (م. ۳۲۹ق) مؤلف مشهورترین کتاب اربعه شیعه، یعنی کافی، در کتاب خود ۱۵۱ حدیث از علی‌بن‌مهزیار نقل نموده است.^۴ دلیل این

۱. برای نمونه، از عباس‌بن‌معروف در کافی ۷ حدیث (ج ۳، ص ۵۱۰ و ۵۴۲؛ ج ۴، ص ۱۹۴ و...) و در تهذیب ۲۴ حدیث (ج ۱، ص ۴۶، ۴۸، ۹۰ و...)، در تهذیب ۱۷ حدیث (ج ۱، ص ۱۲۳، ۲۸۱ و...)، و از احمدبن محمدبن عیسی در تهذیب ۱۶ روایت (ج ۱، ص ۹۰، ۲۶۹ و...) به واسطه او از علی‌بن‌مهزیار نقل کرده است. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک: هدایت‌پناه و خانجانی، «مناسبات فکری دو حوزه علمی تشیع قم و اهواز در قرن‌های دوم و سوم هجری»، تاریخ اسلام، ش ۴، ص ۲۳ - ۲۹.

۲. ر.ک: همان، ص ۷ - ۵۱.

۳. چلونگر و دیگران، بوم‌شناسی تاریخی جریان‌های فکری اصحاب ائمه، ص ۱۴۴؛ نیز ر.ک: مامقانی، تنقیح المقال، ج ۳، الخاتمة، ص ۷۸: «از نشانه‌های اعتماد، بلکه وثاقت در روایت، اعتماد قمیمین به او یا روایاتشان می‌باشد؛ چون آنان با کوچک‌ترین مسئله‌ای روایت را مخدوش معرفی می‌کردند. پس، اعتماد آنان به روایت یا راوی، از عدم خدشه او پرده برمی‌دارد.»

۴. کلینی، الکافی، ۵۴۷/۱، ۷۳/۲، ۸۲/۲، ۹۶/۲، ۲۷۳/۲ و ۳۰۰، ۳۹۵/۲، ۴۳۷/۲ و ۴۵۲، ۴۶۰/۲، ۵۶۵/۲، ۶۶۶/۲، ۱۴/۳، ۷۳/۳، ۱۱۵/۳، ۱۴۷/۳، ۲۲۳/۳، ۲۲۵/۳، ۲۵۶/۳، ۲۵۸/۳، ۲۵۹/۳

همه اعتماد دانشمندان شیعی به احادیث وی، گستره دانش دینی، جلالت مقام او نزد ائمه علیهم السلام، ارتباط با ائمه علیهم السلام، استواری بر امامت و مکتوبات حدیثی متنوع اوست.

از دیگر افراد برجسته خاندان مهزیار، ابراهیم بن مهزیار (۱۹۵-۲۶۵ق) بود. وی نزد عالمان زمانه خود، همچون برادرش علی، آموزش دید و همراه او در رشد فرهنگ و معارف شیعی گام برداشت و میراثی گران بها را برای آیندگان به جا گذاشت. نجاشی وی را در شمار مصنفان شیعه آورده و کتاب *البشارات* را از او می‌داند.^۱ او نیز از اصحاب امام جواد علیه السلام (م. ۲۲۰)، امام هادی علیه السلام (م. ۲۵۴) و امام حسن عسکری علیه السلام (م. ۲۶۰) بوده است.^۲ ابراهیم را وکیل امام زمان (عج) نیز دانسته‌اند و اصحاب حدیث به عدالت و ثقه بودن وی اعتماد داشته‌اند.^۳ علت وثاقتش را وصی بودنش به جای برادرش علی، و سفیر حضرت قائم (عج) بیان کرده‌اند.^۴

۳۰۹/۳، ۳۰۸/۳، ۳۰۶/۳، ۲۸۸/۳، ۲۸۴/۳، ۲۸۲/۳، ۲۸۰/۳، ۲۷۶/۳، ۲۶۷/۳، ۲۶۳/۳،
 ۳۴۷/۳، ۳۴۶/۳، ۳۴۲/۳، ۳۲۹/۳، ۳۲۲/۳، ۳۲۰/۳، ۳۱۹/۳، ۳۱۷/۳، ۳۱۴/۳، ۳۱۳/۳،
 ۳۹۹/۳، ۳۸۹/۳، ۳۷۴/۳، ۳۷۰/۳، ۳۶۷/۳، ۳۶۶/۳، ۳۶۵/۳، ۳۵۵/۳، ۳۵۱/۳، ۳۵۰/۳،
 ۴۰۰/۳، ۴۰۲/۳، ۴۰۴/۳، ۴۰۶/۳، ۴۰۷/۳، ۴۱۱/۳، ۴۱۹/۳، ۴۲۱/۳، ۴۲۵/۳ و ...

۱. نجاشی، *رجال النجاشی*، ص ۱۶.

۲. رک: طوسی، *رجال الطوسی*، ص ۳۷۴؛ کلینی، *من لا یحضره الفقیه*، ج ۱، ص ۲۶۳؛ شوشتری، *قاموس الرجال*، ج ۱، ص ۲۲۹.

۳. صدوق، *کمال الدین*، ص ۴۴۵ - ۴۵۱؛ طوسی، *رجال الطوسی*، ص ۳۷۴؛ طبرسی، *اعلام الوری*، ص ۴۴۴ و ۴۴۵؛ مامقانی، *تنقیح المقال فی علم الرجال*، ج ۱، ص ۳۵.

۴. طوسی، *رجال الطوسی*، ص ۳۷۴؛ طبرسی، *اعلام الوری*، ص ۴۴۴ و ۴۴۵؛ مامقانی، *تنقیح المقال فی علم الرجال*، ج ۵، ص ۱۸ - ۳۱.

داودبن مهزیار،^۱ از دیگر افراد این خاندان بود. او را از محدثان شیعه^۲ و نیز یاران امام جواد علیه السلام دانسته‌اند.^۳ اسماعیل بن مهزیار نیز از دیگر افراد این خاندان است که در کتاب تراجم از او سخنی نیامده است و تنها دو روایت از وی باقی مانده است.^۴ محمدبن علی بن مهزیار، از دیگر افراد معروف این خاندان است که طوسی او را از اصحاب امام هادی علیه السلام برشمرده و او را ثقه و مورد اعتماد می‌داند.^۵ او را از سفیران و ابواب نیز معرفی کرده‌اند.^۶ وی زمان غیبت را درک کرده است.^۷

محمدبن ابراهیم بن مهزیار، مشهور به مهزیاری (ابتدای قرن سوم تا ۲۸۰ق)، محدث مورد اعتماد شیعه و وکیل امام حسن عسکری علیه السلام بوده است.^۸ وی نماینده امام دوازدهم شیعیان در اهواز بود. از سوی امام علیه السلام دستوری مبنی بر رهنمودهای سفیر دوم دریافت کرد.^۹ محمدبن ابراهیم بن مهزیار، وکالت سومین و چهارمین سفیر امام علیه السلام را نیز به عهده داشته و انتخاب وی از جانب امام عصر (عج) بوده است.^{۱۰} از دیگر افراد مشهور این

۱. طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۳۶۹؛ طوسی، الاستبصار، ج ۱، ص ۱۱۰.

۲. موسوی الخویی، معجم رجال حدیث وتفصیل طبقات الرواة، ج ۷، ص ۱۳۳.

۳. شهید ثانی، استصقاء الاعتبار فی شرح الاستبصار، ج ۲، ص ۱۸۴.

۴. صفار، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، ج ۹، ص ۱، ص ۲۲؛ فیض کاشانی، السوافی، ج ۲۵،

ص ۵۱۱؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۳، ص ۳۰۷.

۵. طوسی، رجال الطوسی، ص ۳۹۰؛ برقی، رجال البرقی؛ الطبقات، ص ۶۰؛ حلی، رجال (ابن داود)،

ص ۳۲۶؛ آقابزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱، ص ۱۴۳.

۶. موسوی الخویی، معجم رجال حدیث وتفصیل طبقات الرواة، ج ۳۴، ص ۱۷.

۷. طوسی، الغیبه، ص ۲۹۱.

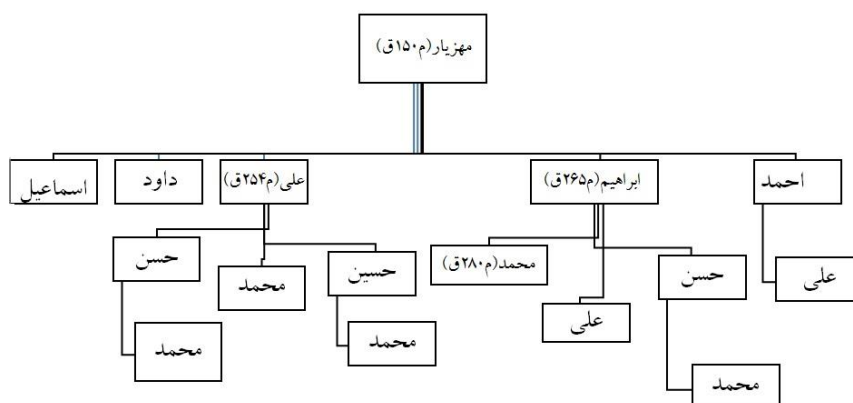
۸. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۴۰۲.

۹. طوسی، الغیبه، ص ۱۸۸؛ اربلی، كشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۵۳۳.

۱۰. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۱۸؛ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۷.

خاندان، علی بن ابراهیم بن مهزیار است. او، همان کسی است که پس از بیست بار که به حج مشرف شده بود، به دیدار امام زمان (عج) نایل شد^۱ و پسر برادر علی بن مهزیار است که به اشتباه، این دیدار به جدّش علی بن مهزیار نسبت داده می شود. از دیگر نوادگان مهزیار که از محدثان و راویان شیعه بودند می توان از حسین بن علی بن مهزیار^۲، محمد بن حسن بن علی مهزیار^۳، محمد بن حسین بن علی بن مهزیار^۴ و علی بن احمد بن مهزیار^۵ نام برد.

شجره نامه خاندان مهزیار



۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۶۷؛ طبری آملی صغیر، دلائل الامامة، ص ۵۳۹؛ طوسی، الغیبه، ص ۲۶۳؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۳۰؛ قطب الدین راوندی، جلوه های اعجاز معصومین، ص ۵۵۰ - ۵۵۳.
۲. امین، اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۳۸۵.
۳. حلی، رجال (لابن داود)، ص ۳۲۶.
۴. طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۵۳ و ۶۱.
۵. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۰۱.

طیف وسیعی از آثار نگاشته شده عالمان شیعی در فاصله زمانی قرن سوم تا هفتم هجری، حاوی روایات و گزارش‌های این خاندان هستند که در ادامه، با دسته‌بندی موضوعی این روایات، تلاش می‌شود سهم این خاندان در علوم و معارف شیعی روشن گردد.

نقش خاندان مهزیار در حدیث

پس از شهادت امام صادق علیه السلام و تثبیت خلافت عباسی (حک: ۱۳۲-۶۵۶ع)، خلفا برای تحت نظر گرفتن امامان علیهم السلام، آنان را از مدینه به عراق آوردند. در نتیجه، ارتباط ائمه با شیعیان محدود شد و شیعیان برای حل مسائل، به محدثان روی آوردند. در این زمان، صدها تن از شاگردان امام صادق علیه السلام به نقل و نشر حدیث اقدام کردند و هزاران حدیث غالباً به صورت طبقه‌بندی نشده در اختیار آنان بود. از دوره امام رضا علیه السلام و به‌ویژه از سده سوم هجری، تقسیم‌بندی روایات در موضوعات فقهی و کلامی و اخلاقی و تدوین جوامع، سرعت بیشتری گرفت. پیشگامان تدوین حدیث در این دوره، سومین نسل از اصحاب اجماع^۱ بودند.^۲ می‌توان گفت علی بن مهزیار، از این گروه است که سی کتاب به رشته تحریر درآورد و هر کتاب، جامعی از روایات در موضوعی خاص بود. این کتاب‌ها خود منشأ پیدایش کتب حدیثی بزرگ‌تر در قرون چهارم و پنجم گردیدند.

راویان خاندان مهزیار، بیشتر از اصحاب ائمه علیهم السلام متأخر، یعنی از دوره امام رضا علیه السلام به بعد بودند و ارتباط حدیثی خاندان مهزیار به عهد امام رضا علیه السلام برمی‌گردد که حسین بن سعیداهوازی، بسیاری از افراد سرشناس آن روزگار، از جمله علی بن مهزیار را نزد

۱. اصحاب اجماع، گروهی از بزرگان اصحاب ائمه هستند که بر صحت روایات نقل شده از آنان، ادعای اجماع شده است؛ هرچند روایت آنان از معصوم، به گونه‌ای مرسل و یا مرفوع باشد.

(مدیرشانه‌چی، تاریخ حدیث، ص ۱۱۴)

۲. معارف و دیگران، حدیث و حدیث پژوهی، ص ۱۸۹ - ۱۹۰.

امام رضا علیه السلام می‌فرستد.^۱ کلینی در کتاب کافی خود، چهارده حدیث از علی بن مهزیار به نقل از امام رضا علیه السلام آورده است.^۲ علی بن مهزیار، نخستین فرد از آل مهزیار، حلقه حدیثی این خاندان با امامان علیهم السلام را برقرار کرد. پس از وفات عبدالله بن جنبد بجلی کوفی (م. ۲۰۰ ق)، سیمت وکالت امام جواد علیه السلام به او محول شد؛^۳ به طوری که با توجه به روایات می‌توان به تبادل نامه‌های متعدد بین علی بن مهزیار و امام نهم علیه السلام پی برد.^۴ باید در نظر داشت که از دوران امام نهم به بعد، به دلیل شاخص تقیه و جوّ اختناق، بیشتر روایات به صورت مکاتبه و توقیع بود؛ نه سماع و شرفیابی.^۵

همچنین، داده‌های آماری نشان می‌دهد که بیشترین احادیث منقول آل مهزیار، مربوط به دوره صادقین علیهم السلام است که ۶۰٪ احادیث را دربرمی‌گیرد. پس از آن، بیشترین احادیث را از امام جواد علیه السلام نقل کرده‌اند؛ یعنی ۱۸٪ که بیشتر به صورت مستقیم و بی‌واسطه از امام علیه السلام اقتباس شده است. این آمار نشان می‌دهد که آل مهزیار بیشترین احادیث را از ائمه علیهم السلام پیش از خود نقل می‌کنند که دلیل آن را باید مربوط به زمانه ائمه علیهم السلام و عدم ثبیت خلافت عباسی دانست؛ چراکه فرصت مناسب را در برای امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام فراهم کرد تا به تربیت شاگردان و نشر و حفظ معارف شیعه پردازند. در مجموع، می‌توان گفت نام افراد این خاندان اهوازی در سلسله اسناد متون مهم شیعی،

۱. برقی، رجال برقی؛ الطبقات، ص ۵۶.

۲. رک: کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۲۸؛ همان، ج ۲، ص ۲۰۶ و ۳۸۴؛ همان، ج ۳، ص ۲۲؛ همان، ج ۴،

ص ۵۴ و ۱۶۶؛ همان، ج ۵، ص ۴۳۵ و ۴۷۶؛ همان، ج ۷، ص ۳۱۶؛ همان، ج ۸، ص ۳۰۵.

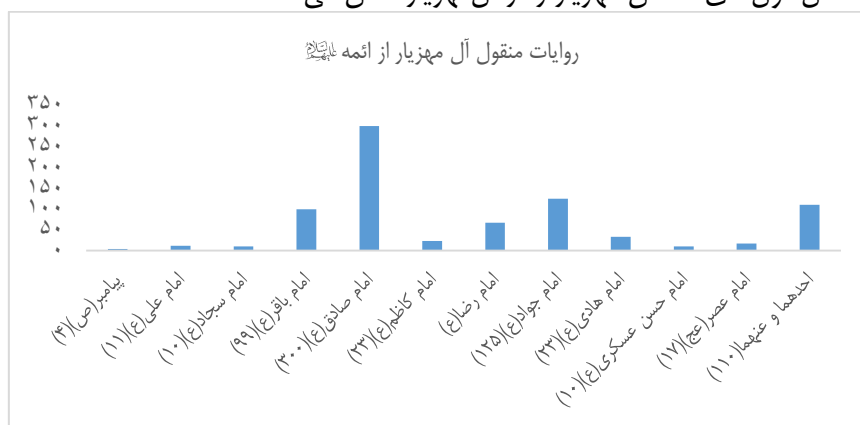
۳. علامه حلی، رجال علامه حلی، ص ۹۳.

۴. کشی، رجال الکشی؛ اختیار معرفة الرجال، ص ۵۵۰.

۵. معارف، «درآمدی بر تاریخ حدیث شیعه»، ص ۷۶؛ برای اطلاعات بیشتر، رک: جباری،

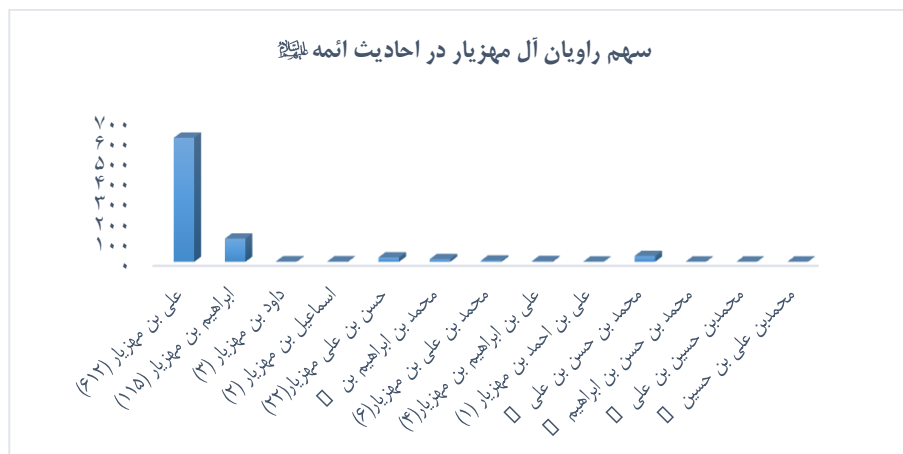
سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، ج ۱، ص ۴۷ - ۵۵.

نشان از تأثیر این محدثان اهوازی در حفظ و نگهداری و اشاعه احادیث ائمه دارد. نمودار زیر^۱، نقل قول‌های خاندان مهزیار را از آل مهزیار نشان می‌دهد.



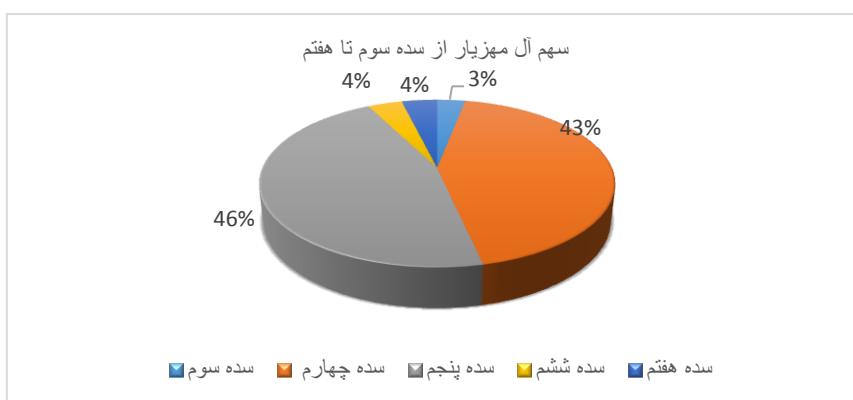
۱. منابع نمودارها، متون سده سوم تا هفتم است که عبارت‌اند از: المحاسن (۴)، بصائر الدرجات (۱۱)، تفسیر قمی (۷)، النوادر (۱)، تفسیر عیاشی (۳)، الإمامة والتبصرة (۷)، الکافی (۱۵۱)، فضائل أمير المؤمنين علیه‌السلام (۱)، الهدایة الكبرى (۴)، إثبات الوصیة (۸)، الغیبة للنعمانی (۵)، کامل زیارات (۴۴)، من لا یحضر الفقیه (۲۳)، خصال (۱۵)، علل الشرائع (۵۴)، امالی صدوق (۱۰)، ثواب الاعمال (۱۴)، کمال‌الدین و تمام‌النعمة (۲۸)، معانی الاخبار (۱۳)، توحید (۱)، عیون اخبار الرضا (۳)، فضائل الاثني عشر (۱)، امالی شیخ مفید (۴۵)، الارشاد (۲)، مزار (۶)، جوابات أهل الموصل (۲)، المقنعة (۱)، تقریب المعارف (۲)، عیون المعجزات (۱)، دلائل الإمامة (۳)، التهذیب (۲۰۰)، الاستبصار (۷۸)، الغیبة (۴)، امالی (۱)، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین (۱)، اعلام الوری (۵)، مکارم الاخلاق (۳)، الثاقب فی المناقب (۳)، الخرائج والجرائح (۳)، مناقب آل ابیطالب (۶)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (۱)، مشکاة الأنوار فی غرر الاخبار (۱)، المزار الكبير (۶)، كشف الغمة (۵)، الدر النظیم فی مناقب الأئمة اللهامیم (۱)، جمال الأسبوع بكمال العمل المشروع (۲)، فلاح السائل (۱۰)، مهج الدعوات و منهج العبادات (۲)، الیقین باختصاص مولانا علی علیه‌السلام (۱)، فرج المهموم (۱)، فتح الابواب (۱)، الإقبال الحسنة (۱)، نزهة الناظر فی الجمع بین الأشباه والنظائر (۱).

همچنین، این داده‌ها نشان می‌دهد که بیشترین احادیث این خاندان، به نقل از علی بن مهزیار آمده که ۴۳۷ حدیث را دربرمی‌گیرد. پس از او، ابراهیم بن مهزیار قرار دارد که ۷۶ حدیث به نقل از او آمده است. شایان ذکر است که اغلب احادیثی که توسط علما و راویان از خاندان مهزیار باقی مانده است، در سلسله سند خود به علی بن مهزیار می‌رسند؛ حتی احادیثی که به نقل از ابراهیم بن مهزیار ثبت شده‌اند. این مسئله می‌تواند حاکی از نقش محوری علی در جهت‌دهی و ترسیم آینده این خاندان باشد. برخی از محدثان در سلسله سند خود، حتی در نقل یک روایت، چندین بار به طرق مختلف از او نقل می‌کنند؛ به‌عنوان نمونه، شیخ طوسی (م. ۴۶۰ق) در نقل یکی از احادیث، سند آن را از سه طریق به علی بن مهزیار می‌رساند^۱ که این موضوع، نشان از اعتبار وی دارد.



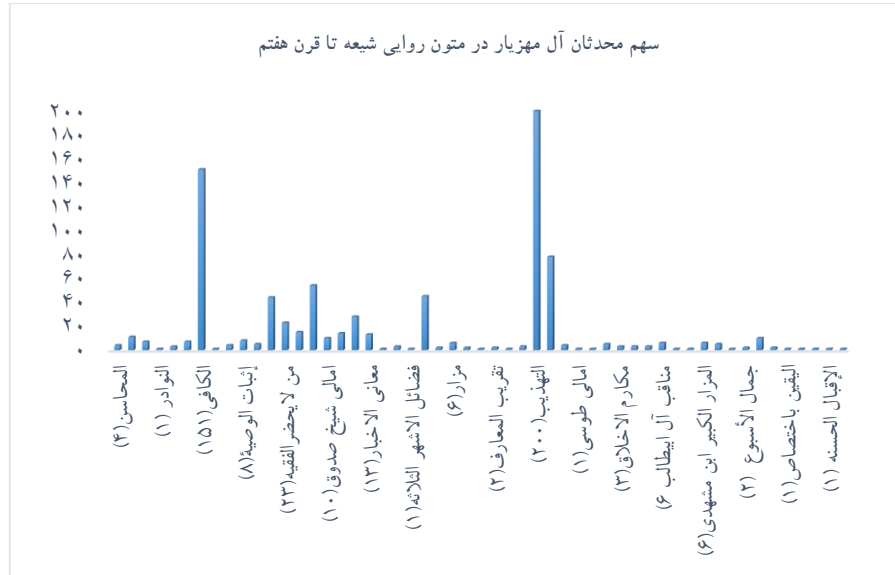
۱. رک: طوسی، الإستبصار فیما اختلف من الأخبار، ج ۱، ص ۱۹۱. در این کتاب آمده است: «محمد عن عبدالله بن عامر عن علی بن مهزیار و محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد عن علی بن مهزیار و علی بن محمد عن سهل بن زیاد عن علی بن مهزیار قال: قرأت فی کتاب کتبه عبدالله بن محمد إلی أبي الحسن علیه‌السلام ...»

به هر روی، آماری که با بررسی بیش از ۷۰۰ حدیث^۱ از این خاندان در متون سده سوم تا هفتم هجری به دست آمد، نشان می‌دهد که بیشترین احادیث این خاندان، در متون سده چهارم و پنجم انعکاس یافته است؛ به طوری که ۸۸٪ از احادیث آل مهزیار، در متون این دو قرن بازتاب یافته است و کمترین این احادیث، در متون قرن ششم و هفتم انعکاس یافته است. در علت این امر، باید گفت که دو قرن چهارم و پنجم را قرون شکوفایی حدیث شیعه دانسته‌اند و با ظهور عالمان بزرگی چون: کلینی، شیخ صدوق و شیخ طوسی، کتب حدیثی، اعم از کتب اربعه، به نگارش درآمدند و همین کتب باعث شد نیازهای علمی دانشمندان تأمین گردد و شیعیان دیگر نیازی به نگارش کتب حدیثی احساس نمی‌کردند. در نتیجه، قرن ششم و هفتم در حدیث شیعه رکود پدید آمد.^۲ در نمودارهای زیر، این امر نشان داده شده است.

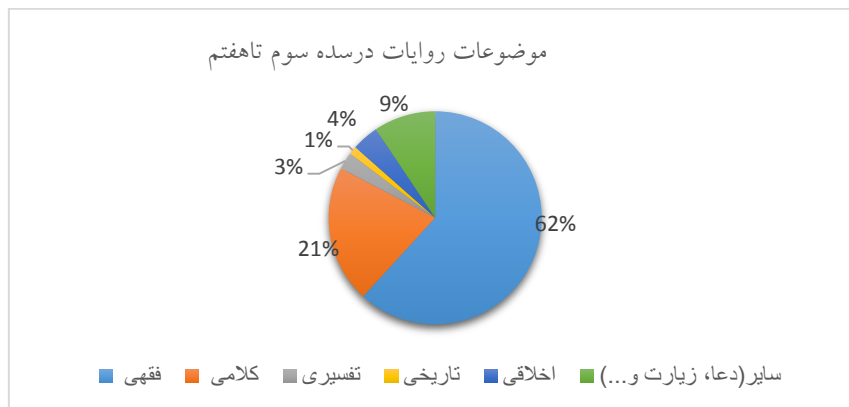


۱. در متون سده سوم ۲۳ حدیث، در سده چهارم ۳۷۲ حدیث، در سده پنجم ۳۴۵ حدیث، در متون سده ششم ۲۸ حدیث و در متون سده هفتم ۲۹ حدیث به نقل از این خاندان آمده است.

۲. معارف، «درآمدی بر تاریخ حدیث شیعه»، ص ۷۹ - ۸۰.



افزون بر این، از نظر موضوعی، بیشترین احادیثی که در سده چهارم و پنجم از خاندان مهزیار نقل شده، فقهی بوده است. این در حالی است که در سده ششم و هفتم هجری، مباحث فقهی روایت شده از خاندان مهزیار، کمتر به چشم می خورد و بیشتر، مباحثی همچون: نصّ بر امامت، غیبت، زهد، دعا و زیارت مطرح می شود. می توان گفت نقش دیدگاه مؤلفان متون حدیثی (صاحبان منابع نقل کننده روایات آل مهزیار) و شرایط اجتماعی آنان، در گزینش روایات این خاندان اهوازی تأثیر گذاشته اند که این موضوع خود، تحقیق دیگری را می طلبد.



نقش خاندان مهزیار در فقه

نجاشی (م. ۴۵۰ق) به یادگیری فقه علی بن مهزیار اشاره کرده است.^۱ اغلب کتاب‌های وی چون: وضوء، حج، صلات، زکات، خمس، حدود، دیات و مکاسب، بابتی از ابواب فقه بود.^۲ نجاشی به سه طریق به نوشته‌های او دسترسی داشته است که نشان از شهرت و اهمیت این آثار است.^۳

از بررسی روایات آل مهزیار در کتب روایی شیعه می‌توان به جایگاه ایشان در فقه پی برد. گزارش بیش از ۴۰۰ روایت با محتوای فقهی از علی بن مهزیار در جوامع روایی شیعی، قرینه‌ای بر اهمیت کتب فقهی اوست.

از آنجا که مسائل فقهی به بخش‌های مختلفی تقسیم می‌شود و نیز هر بابی از باب‌های فقه در یک بخش جداگانه قرار می‌گیرد، در این پژوهش، بر اساس دسته‌بندی ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن حسن حلی، معروف به محقق حلی (م. ۶۷۶ق)، به بررسی روایات خاندان مهزیار پرداخته می‌شود. وی، ابواب فقه را به چهار بخش: عبادات، عقود، ایقاعات، احکام و سیاسات^۴ تقسیم نموده است. هر کدام از این بخش‌ها، موضوعاتی را در برمی‌گیرند که سهم آل مهزیار در جمع‌آوری آنها بدین شرح است:

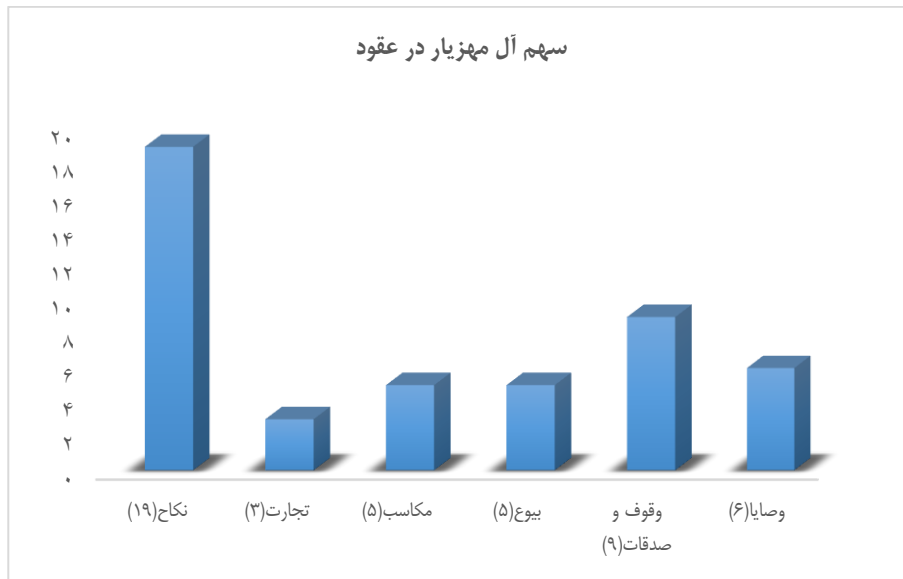
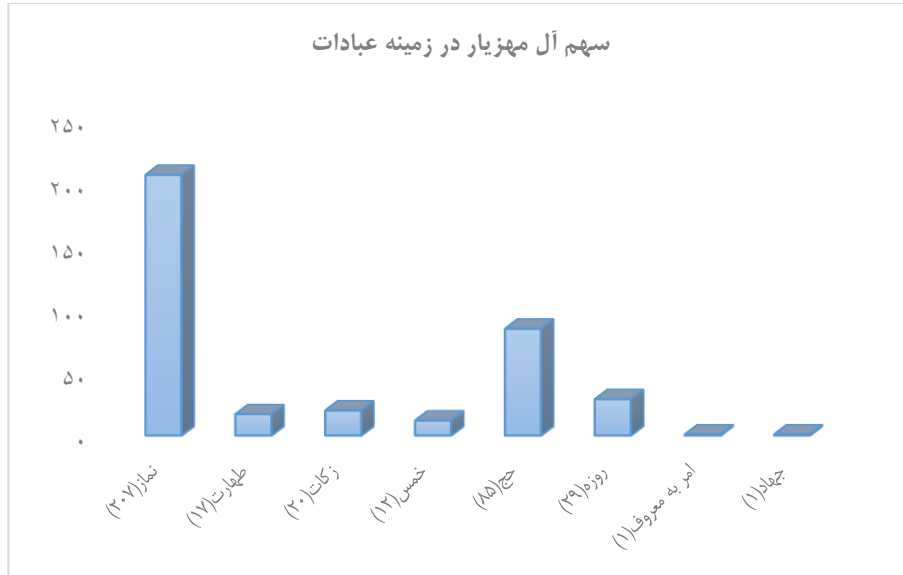
۱. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۲۵۳.

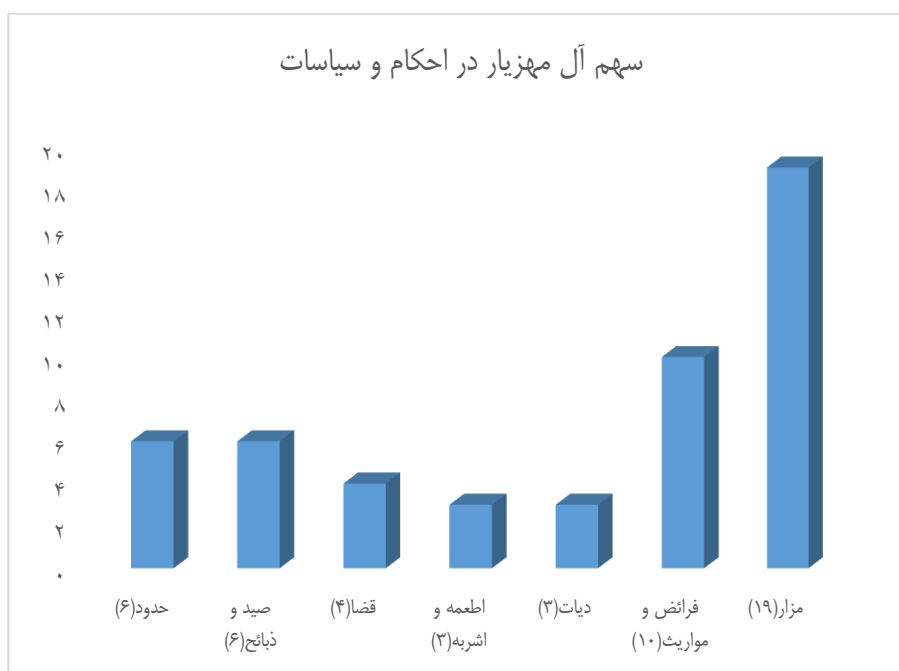
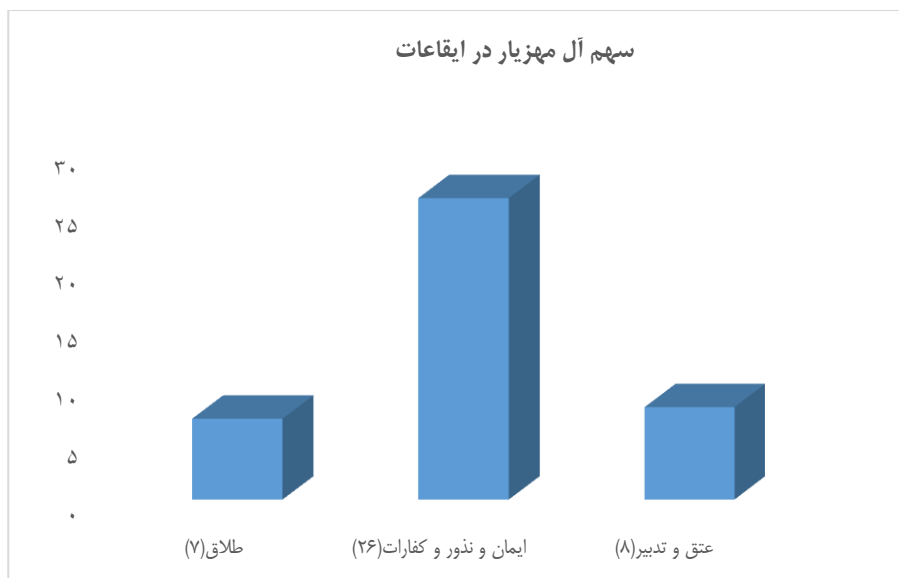
۲. طوسی، فهرست، ص ۲۳۱؛ نجاشی، رجال نجاشی، ص ۲۵۳.

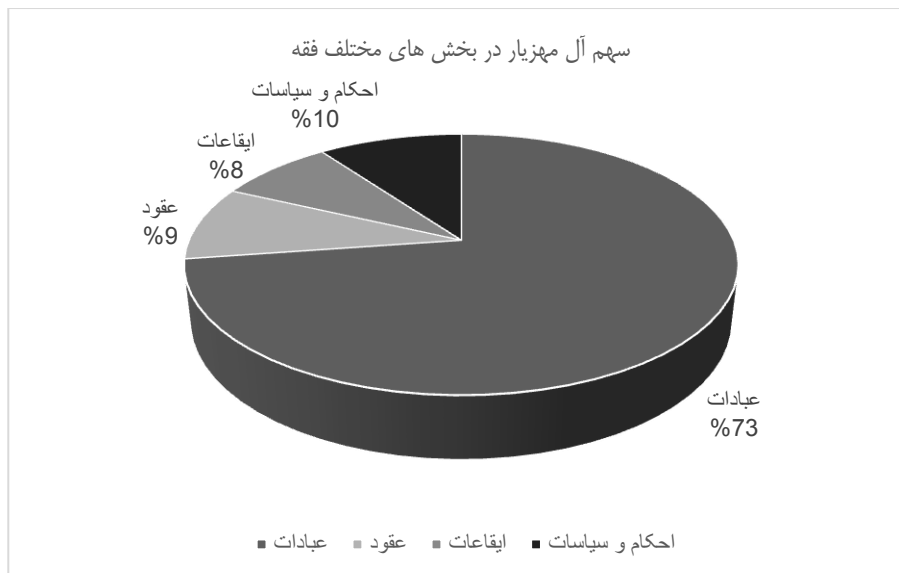
۳. همان، ص ۲۵۳ - ۲۵۴؛ آقابزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۸، ص ۲۸۶.

۴. محقق حلی، شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۰۸. در توضیح این تقسیم‌بندی باید گفت، مسائل فقهی یا به امور آخرت مربوط است و این، عبادات است و یا به امور دنیا مربوط است و در این صورت، یا به عبارت و لفظ نیاز دارد یا ندارد؛ آنکه نیاز دارد، اگر نیاز از دو طرف باشد، قسم عقود است و اگر از یک طرف باشد، قسم ایقاعات است و اگر از اصل نیازی در آن به عبارت و لفظ نباشد، قسم احکام است. (ر.ک: مجلسی، لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه، ج ۱، ص ۱۸۲؛ شهابی،

ادوار فقه، ج ۲، ص ۱۰)







آمار مذکور، با بررسی بیش از پانصد حدیث فقهی خاندان مهزیار حاصل آمد. البته تعدادی از این روایت‌ها تکراری‌اند؛ یعنی دو یا سه نفر از افراد خاندان، در سلسله سند یک روایت جای دارند. به هر حال، با استناد به این آمار، می‌توان گفت بیشترین روایات منقول آنها، در بخش «عبادات» قرار دارد که ۷۳٪ روایات فقهی این خاندان را به خود اختصاص می‌دهد. در این بخش نیز بیشترین روایات مربوط به نماز و کمترین آنها در مبحث امر به معروف و نیز جهاد است. پس از آن، بیشترین روایات در مبحث «احکام و سیاسات» جای می‌گیرد. بیشتر روایات این بخش، در باره مزار و زیارت است و پس از آن، فرایض و موارد، و پس از آن، احکام مربوط به صید و ذبایح قرار دارد. از آل مهزیار در زمینه‌های «عقود» و «ایقاعات»، کم‌وبیش به یک اندازه روایت نقل شده است که بیشتر آنها مربوط به مبحث نکاح و بخش ایمان و نذور و کفارات است.

۱. از آنجا که بخش مزارت در کتاب *تهذیب الأحکام* در کنار سیاسات و احکام آمده، در نتیجه در

این قسمت، موضوع مزار جای گرفته که از بخش‌های اصلی احادیث فقهی است.

موضوعات و مطالب ذکر شده در احادیث، از یکسو حاکی از این است که اصحاب و یاران امامان علیهم السلام در باره موضوعات و مسائلی که برایشان پیش می‌آمده، به آنان مراجعه می‌کرده و پاسخ مناسب می‌گرفته‌اند و از سوی دیگر، نشان‌دهنده آن است که اولیای دین نیز به مناسبت و اقتضا، در موضوعات مختلف مطالب گوناگونی را که مردم بدان نیاز داشتند، برای آنان بیان می‌کردند و سپس، مؤلفان کتاب‌ها و مجموع‌های حدیثی، بر اساس علایق و انگیزه‌ها و نیازها و گاه با توجه به گفتمان‌های رایج علمی عصر خود، به تبویب و موضوع‌بندی احادیث پرداخته‌اند.^۱ با توجه به این مطالب، می‌توان گفت که تدوین کتاب‌های فقهی توسط علی بن مهزیار و بیان روایت‌های بسیاری در این زمینه توسط خاندان مهزیار، دلالت بر نیاز جامعه به فهم این موضوعات داشته است؛ چراکه احکام فقهی بر اساس نیاز جامعه مطرح می‌شوند و خاندان مهزیار به جهت وکالت ائمه علیهم السلام و رفت‌وآمد به نواحی مختلف، نسبت به نیازها و نابسامانی‌های اجتماعی مردم زمانه خویش آگاهی داشتند و سؤالاتی را که مردم در این زمینه داشتند، از امام علیه السلام می‌پرسید؛ به‌عنوان مثال، مطرح شدن احکام نماز^۲ و سهم حداکثری روایات فقهی خاندان به این موضوع، نیاز جامعه آن روز به فهم این مسائل را نشان می‌دهد.

اختلاف شیعیان و اهل سنت در برخی موضوعات فقهی، موجب شده که سؤالات بسیاری در این زمینه برای مردم مطرح شود؛ برای مثال، خمس، از این‌گونه احکام است؛ چنان‌که علی بن مهزیار، سؤالاتی را که مردم در این زمینه داشتند، از امام علیه السلام می‌پرسید. از روایت شده است که گفت: «در نامه‌ای از امام ابو جعفر علیه السلام به مردی که از آن حضرت خواسته بود تا او را در خوردن و آشامیدنش از مال خمس حلال کند، به خط آن حضرت

۱. معارف و دیگران، حدیث و حدیث پژوهی، ص ۶۹ - ۷۹.

۲. به عنوان نمونه، ر.ک: طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۲۰۶، ۲۲۹ و ۳۶۳؛ صدوق، من لایحضره

الفقیه، ج ۱، ص ۲۶۳.

خواندم که نوشته بود: کسی که به چیزی از حقّ من احتیاج شدید داشته باشد، استفاده از آن برای او حلال است.^۱

اما در زمینه امر به معروف، جهاد، حدود و شهادت، کمترین روایت از این خاندان نقل شده است. به نظر می‌رسد قلت این روایات، می‌تواند دال بر تأکید امامان علیهم‌السلام بر تقیه باشد. باید توجه داشت که در این زمان، فرقه‌هایی مثل زیدیه با تکیه بر امر به معروف و جهاد و شهادت، به نقد عملکرد ائمه علیهم‌السلام و پیروان ایشان می‌پرداختند و گسترش روایات در این سه موضوع، به نوعی تقویت دیدگاه زیدیه دانسته می‌شد. با این همه، فقیهان خاندان مهزیار کم‌وبیش در همه ابواب فقهی، احادیثی را از ائمه علیهم‌السلام نقل کرده‌اند.

شایان ذکر است که رویکرد فقهی آل مهزیار، نقل گرایانه بوده است؛ زیرا اغلب آنان در دوره حضور ائمه علیهم‌السلام، به نقل و تدوین احادیث ایشان پرداخته‌اند و اصحاب در برابر نیازهای شیعیان و مراجعات زیاد آنها، به امامان خود مراجعه می‌کردند و نیازی به قواعدی چون: قیاس، مصالح مرسله، استحسان و سدّ و فتح ذرایع^۲ که فقهای اهل سنت از آن بهره می‌بردند، نداشتند و مجموع احادیث نبوی و روایات معصومان علیهم‌السلام برای رفع احتیاجات خود را کافی می‌دانستند.^۳ برای درکی انضمامی‌تر از سهم خاندان مهزیار در فقه، احادیث فقهی آنان در کتب اربعه طیّ جدول ذیل بیان می‌شود.

۱. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۴.

۲. قیاس، به معنای جاری کردن حکم شرعی یک موضوع بر موضوعی مشابه است که حکمی در باره آن در متون دینی نیست. مصالح مرسله، عبارت است از جلب منفعت و رفع ضرر. مجتهد به هر چه که منفعت دارد، فتوای به امر می‌دهد و به هر چیزی که ضرر دارد، فتوای به نهی می‌دهد. سدّ ذرایع، به معنای بستن و سد کردن چیزهایی که باعث رسیدن به حرام می‌شود و فتح ذرایع، به معنای گشودن چیزهایی که باعث رسیدن به حلال می‌شود. استحسان، به این معناست که در باره یک مسئله شرعی بنا به مصلحت خاصی، از قیاس یا قاعده کلی صرف‌نظر کرده و حکمی مخالف برای آن مسئله پیدا کنیم. (ر.ک: مظفر، اصول الفقه (با شرح فارسی)، ص ۳۸۶ - ۴۳۷)

۳. گرجی، تاریخ فقه و فقها، ص ۱۲۰.

| ردیف | ابواب فقه | کافی | من لا یحضر الفقیه | التهدیب | الاستبصار |
|------|-----------------|------|-------------------|---------|-----------|
| ۱ | طهارت | ۳ | ۱ | ۷ | ۴ |
| ۲ | صلاه | ۵۴ | ۳ | ۷۶ | ۳۸ |
| ۳ | صوم | ۱ | ۱ | ۱۵ | ۶ |
| ۴ | زکات | ۵ | - | ۷ | ۶ |
| ۵ | خمس | ۲ | ۱ | ۵ | ۵ |
| ۶ | حج | ۱۹ | ۵ | ۲۹ | ۱۰ |
| ۷ | وقف | ۴ | ۱ | ۱۱ | - |
| ۸ | ارث | ۳ | ۲ | ۵ | ۴ |
| ۹ | وصایا | ۱ | ۱ | ۴ | - |
| ۱۱ | زیارت | ۵ | | ۷ | - |
| ۱۲ | صید و ذبایح | - | - | ۱ | - |
| ۱۳ | اشربه و اطعمه | ۱ | - | - | - |
| ۱۴ | دیات | ۲ | - | ۱ | - |
| ۱۵ | حدود | - | - | | - |
| ۱۶ | اجارات | ۱ | - | ۱ | - |
| ۱۷ | مکاسب | ۴ | | ۱ | - |
| ۱۸ | عتق | - | ۱ | ۱ | ۱ |
| ۱۹ | نذر | ۳ | - | ۱ | - |
| ۲۰ | دعا | ۱ | - | - | - |
| ۲۱ | الرد علی الغلاه | ۲ | - | - | - |
| ۲۲ | امر به معروف | ۱ | - | - | - |
| ۲۳ | نوادر | ۱۷ | ۱ | ۱ | - |
| ۲۴ | ازدواج | ۵ | | ۹ | ۱ |
| ۲۵ | طلاق | ۲ | - | ۲ | ۴ |
| جمع | | ۱۳۶ | ۱۷ | ۱۸۵ | ۷۸ |

نقش خاندان مهزیار در کلام

متکلمان از خاندان آل مهزیار، همانند سایر اصحاب امامیه، به صیانت از باورهای اعتقادی پرداخته و مبتنی بر روش روایی در کلام شیعه، میراثی از احادیث در موضوعات اعتقادی را به جای گذاشته‌اند؛ چنان که روایت‌هایی در باره: توحید و نفی تشبیه^۱، عرش و کرسی^۲، اثبات وجود خدا و وحدانیت او^۳، اسما و صفات خداوند^۴، افعال خداوند^۵، قدرت و علم خداوند^۶ و معاد^۷ نقل کرده‌اند؛ اما در این میان، بیشترین موضوع کلامی مورد اهتمام این خاندان، به مبحث مبارزه با اندیشه‌های انحرافی مانند: غلو، فطحیه و واقفیه، و نیز مبحث امامت، غیبت و مهدویت اختصاص دارد.

باید توجه داشت که در دوران امام باقر و امام صادق علیهما السلام، جریان فکری غلو گسترش می‌یابد و غالبان مناطقی را تحت نفوذ خود قرار می‌دهند^۸ و در دوره حیات ائمه بعدی نیز

۱. مفید، المقنعه، ص ۳۲۰.

۲. صدوق، توحید، ص ۴۷.

۳. ابن طاووس، الیقین باختصاص مولانا علی علیه السلام بایمارة المؤمنین، ص ۱۸۹.

۴. قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۵۸.

۵. صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۳۵۶ - ۳۵۷.

۶. مفید، الاختصاص، ص ۲۷۰.

۷. نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۸.

۸. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک: احمدی کچایی، «بررسی چگونگی تقابل ائمه با جریان‌های

غالیانه از آغاز تا دوره امام صادق علیه السلام»، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ش ۱۰،

ص ۹۵ - ۱۱۴.

این جریان همچنان به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهد.^۱ در نتیجه، خاندان مهزیار در کنار سایر اصحاب ائمه علیهم‌السلام با نشر احادیث امامان علیهم‌السلام، به مقابله با این جریان فکری پرداختند؛ به‌عنوان نمونه، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: لعنت کردن غالیان از جمله جعفر بن واقد و هاشم بن ابی‌هاشم و پیروان آنها توسط امام جواد علیه‌السلام در نزد مهزیار^۲ و تأکید امام علیه‌السلام بر این سخن: «ای علی! از نفرین آنها خارج مشو.»^۳ همچنین، می‌توان به پرسش علی بن مهزیار از امام جواد علیه‌السلام در باره نماز خواندن پشت کسی که معتقد به جسم‌بودن خدا و هم‌عقیده با یونس بن عبدالرحمن (۲۰۸ق)^۴ است، اشاره کرد که امام در جواب او، از این کار نهی نمود و بر بی‌زاری و نفرت از آنان تأکید کرد.^۵ همچنین، در بین کتاب‌های علی بن مهزیار کتابی به نام *الرد علی غلات* دیده می‌شود که حاکی از تلاش این

۱. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک: حاجی‌زاد، «غالیان در دوره امام جواد علیه‌السلام و نوع برخورد آن حضرت با آنان»، *تاریخ اسلام*، س ۱۷، ش ۱، ص ۲۱۳ - ۲۳۸؛ هدایت‌پناه، «مواجهه حوزه اهواز با فرقه‌های مذهبی و تبیین اعتقادات شیعی در دوران ابناء الرضا علیهم‌السلام»، *سخن تاریخ*، ش ۲۶، ص ۲۲۱ - ۲۴۸.

۲. کشی، *رجال الکشی*؛ *إختیار معرفة الرجال*، ص ۵۲۸.

۳. همان.

۴. در این روایت، باید با دیده تردید نگریست؛ چراکه یونس بن عبدالرحمن از جمله اصحاب ائمه علیهم‌السلام است که روایات بسیاری در مدح او و چندین روایت نیز در ذمّ او از سوی امامان علیهم‌السلام نقل شده است. با وجود اتهاماتی نظیر قول به تشبیه و تجسیم که مخالفان متوجه یونس کرده‌اند، او هرگونه تشبیهی را از خداوند نفی نموده است؛ چنانکه در روایتی به‌صراحت مکان‌مندی خداوند را رد می‌کند. (برای اطلاعات بیشتر، ر.ک: نجاشی، *رجال نجاشی*، ص ۴۴۶ - ۴۴۸؛ کشی، *رجال الکشی*، ص ۷۷۹ - ۷۸۸؛ صدوق، *التوحید*، ص ۹۷؛ نیز ر.ک: سعادت‌نژاد، «جایگاه

یونس بن عبدالرحمن در کلام امامیه»، *حدیث و اندیشه*، ش ۱۹، ص ۷۱ - ۹۱)

۵. صدوق، *الأمالی*، ص ۲۷۷.

خاندان برای مبارزه با این گروه‌های فکری است. خاندان مهزیار با انتقال احادیث ائمه به جامعه شیعی، به رفع تردیدها و معضلاتی که به وجود آمده بود، یاری می‌رساندند. فطحیه^۱ و واقفیه^۲، از دیگر گروه‌های انحرافی در شیعه هستند که آل مهزیار به مقابله با آنان برخاستند؛ چنان که مناظرات و مکاتبات علی بن مهزیار با علی بن اسباط (زنده در ۲۳۰ق)، یکی از پیروان فطحیه، سبب اصلاح عقاید ابن اسباط و پیروی از امام جواد علیه السلام شد.^۳ این مکاتبات، در قالب کتابی با عنوان *رسائل علی بن اسباط* توسط ابن مهزیار تألیف شد.^۴ امامت، محوری‌ترین جایگاه و نقش را در منظومه کلامی شیعه دارد. از یکسو اعتقاد به نص و عصمت، و از سوی دیگر نقشی که شیعیان برای جایگاه معنوی امام، یعنی مرجعیت انحصاری دینی امامان قائل بوده‌اند، حاکی از اهمیت این جایگاه است.^۵ خاندان مهزیار،

۱. «پیروان عبدالله بن افضح، فرزند بزرگ امام صادق علیه السلام». برای توضیحات بیشتر، ر.ک: مفید، دفاع از تشیع / ترجمه الفصول المختارة للمفید، ترجمه: محمد بن حسین آقا جمال خوانساری، تصحیح: صادق حسن زاده و علی اکبر زمانی نژاد، قم، انتشارات مؤمنین، ۱۳۷۷ش، ص ۵۶۸ - ۵۶۹؛ هدایت پناه، «مواجهه حوزه اهواز با فرقه‌های مذهبی و تبیین اعتقادات شیعی در دوران ابن‌الرضا علیه السلام»، سخن تاریخ، ش ۲۶، ص ۲۲۷.

۲. «واقفیه، کسانی هستند که در امامت امام کاظم علیه السلام متوقف شدند و با قائل شدن به زنده بودن آن حضرت، امامت امام رضا علیه السلام را منکر شدند که به انکار دیگر ائمه علیهم السلام انجامید.» (برای توضیحات بیشتر، ر.ک: مفید، دفاع از تشیع / ترجمه الفصول المختارة للمفید، ص ۵۷۰ - ۵۷۴؛ هدایت پناه، «مواجهه حوزه اهواز با فرقه‌های مذهبی و تبیین اعتقادات شیعی در دوران ابن‌الرضا علیه السلام»، سخن تاریخ، ش ۲۶، ص ۲۲۷ - ۲۲۹)

۳. نجاشی، رجال، ص ۲۵۲؛ کشی، رجال الکشی؛ إختیار معرفة الرجال، ص ۵۶۲.

۴. نجاشی، رجال، ص ۲۵۲ - ۲۵۳؛ کشی، همان.

۵. چلونگر و دیگران، بوم‌شناسی تاریخی جریان‌های فکری اصحاب ائمه، ص ۱۵.

روایت‌های بسیاری در این زمینه نقل کرده‌اند؛ از جمله می‌توان به ضرورت وجود امام و خالی نبودن زمین از حجت^۱ و وجود نص در تعیین امام^۲ اشاره کرد. همچنین، در بین آثار علی بن مهزیار کتابی با عنوان *فضائل المؤمنین و برهم*^۳ دیده می‌شود که می‌توان آن را در ذیل موضوعات کلامی قرار داد و به اهمیت امامت در کانون فکری این خاندان پی برد. احادیث و روایت‌های بسیاری از این خاندان اهوازی در زمینه قائم و مهدویت در متون متأخر تداوم یافته است. این فراوانی، به سبب حیرت و سردرگمی شیعیان، پس از غیبت امام عصر(عج) بوده است. البته یکی از موضوعاتی که باید بر این امر افزود، مسئله‌ای بود که در اواخر عصر حضور پیش آمد و آن، ادعای امامت جعفر برادر امام حسن عسکری علیه السلام بود. این امر، سبب شد که امام علیه السلام از جعفر کناره‌گیری کند و ارتباط خود را با او قطع نماید؛^۴ اما این موضوع، از دشمنی وی نکاست و با شهادت امام حسن عسکری علیه السلام و غیبت امام عصر(عج)، جعفر نهایت تلاش خود را برای استفاده از این شرایط و جلب شیعیان کرد و به انکار تولد امام عصر(عج) پرداخت.^۵ در چنین شرایطی، عالمان خاندان مهزیار به طرق مختلف به رفع شبهات و تثبیت نظریه وجود و غیبت امام زمان(عج) پرداخته‌اند. آنان با انتقال احادیث ائمه علیهم السلام تلاش نمودند تا شک و تردید را از میان شیعیان که پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام بدان گرفتار شده بودند، بزداينند؛

۱. صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۰۳؛ صفار، *بصائر الدرجات*، ج ۱، ص ۴۸۸.

۲. صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۲۳؛ کلینی، *الکافی*، ج ۱، ص ۴۵۷.

۳. برای دیدن روایت‌هایی از این کتاب، رک: ابن بابویه، *الامامة والتبصرة من الحيرة*، ص ۱۰۱؛ فتال

نیشابوری، *روضة الواعظین - وبصيرة المتعظین*، ج ۱، ص ۲۷۴.

۴. صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۱۰۵.

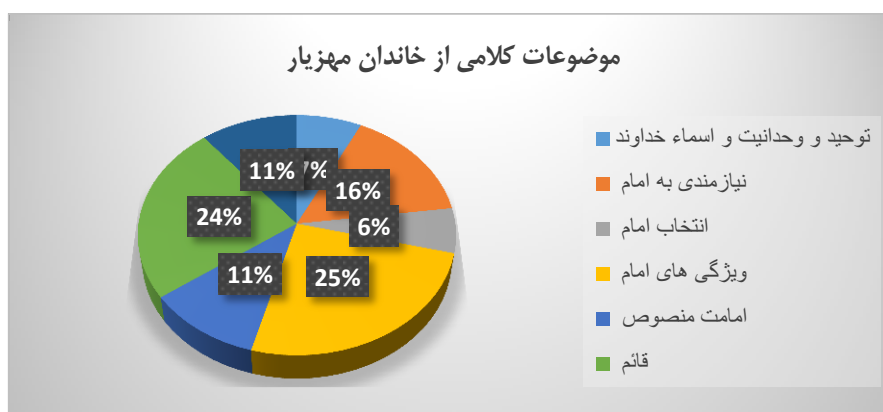
۵. همان، ج ۲، ص ۴۷۳.

چنان که آنان با رفع تردید در خصوص: تولد امام زمان (عج)^۱، تأکید بر دیدار با امام زمان (عج) و دعای ایشان در حق آنان^۲، تأکید بر عدم انتقال امامت از برادری به برادر دیگر^۳، امامت فرد با سن کم^۴ و نیز روایات دال بر نص امامت دوازده امام^۵، به تثبیت ادامه امر امامت در فرزند امام حسن عسکری علیه السلام پرداختند.

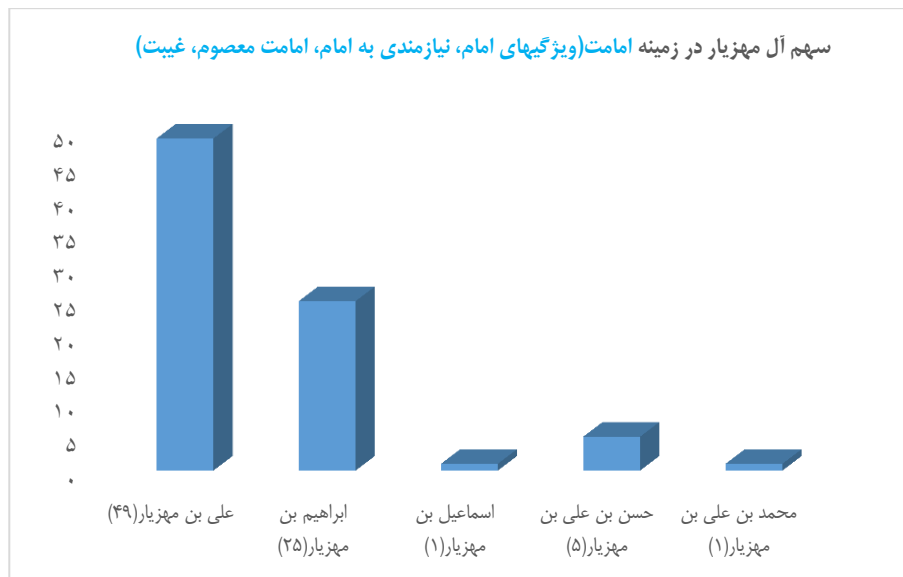
همچنین، نگارش کتاب‌های ملاحم^۶ و القائم^۷ توسط علی بن مهزیار و کتاب البشارات^۸ توسط علی و نیز ابراهیم بن مهزیار، از تلاش دیگر این خاندان اهوازی در جهت اصلاح عقاید شیعیان و رفع بحران‌های بین شیعیان حکایت دارد؛ چون ادعای امامت جعفر کذاب، در فرزندان وی ادامه یافت و برخی از شیعیان به آنان گرایش داشتند. از این رو، تلاش‌های

-
۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۱۸؛ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۵۵؛ طوسی، الغیبة للحجة، ص ۲۸۱؛ طبرسی، اعلام الوری، ص ۴۴۵؛ قطب‌الدین الراوندی، الخرائج والجرائح، ج ۱، ص ۴۶۲؛ اربلی، كشف الغمة فی معرفة الائمة، ج ۲، ص ۴۵۰.
 ۲. صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۸۵؛ طوسی، الغیبة للحجة، ص ۲۹۱؛ طبرسی، اعلام الوری، ص ۴۵۲؛ قطب‌الدین الراوندی، الخرائج والجرائح، ج ۱، ص ۴۸۰؛ طبرسی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۷۰.
 ۳. ابن بابویه، الامامة والتبصرة من الحیرة، ص ۴۹؛ صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۰۷.
 ۴. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۵۷؛ مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۶۳.
 ۵. ابن بابویه، الامامة والتبصرة من الحیرة، ص ۱۲۷؛ ابن عبدالوهاب، عیون المعجزات، ص ۱۳۴؛ فتال نیشابوری، روضة الواعظین وبصیرة المتعظین، ج ۱، ص ۲۴۷.
 ۶. طبرسی، اعلام الوری، ص ۴۵۷؛ صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۶۴۹؛ نعمانی، الغیبة للنعمانی، ص ۲۶۹؛ طوسی، الغیبة، ص ۴۵۳.
 ۷. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۲۵۳.
 ۸. صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۸۱.

افراد دیگر این خاندان در جهت تثبیت نظریه غیبت، ادامه داشته است.^۱ باید افزود که امام زمان (عج) برای رفع شبهه و تبیین مهدویت، با افراد این خاندان نامه‌نگاری داشت.^۲ در توقیعی که برای محمدبن‌علی بن‌مهزیار صادر شد، امام (عج) فرمود: «محمدبن‌علی بن‌مهزیار اهوازی، خداوند به همین زودی دل او را اصلاح می‌نماید و تردید او را برطرف می‌کند.»^۳ همچنین، امام (عج) در توقیعی که به محمدبن‌ابراهیم بن‌مهزیار نوشت: «ما تو را به جای پدرت گماشتیم. پس، خدا را سپاسگزار باش.»^۴ در توقیعی دیگر، او را به اعتماد به عثمان بن سعید عمری (متوفای پیش از ۲۶۷ق) که وکیل امام (عج) بود، امر کرد.^۵



۱. طوسی، الغیبه، ص ۲۶۳؛ قطب‌الدین‌الراوندی، الخرائج والجرائح، ج ۳، ص ۱۰۹۹؛ اربلی، کشف الغمّة فی معرفة الائمه، ج ۲، ص ۵۳۲؛ ابوصلاح‌الحلبی، تقریب‌المعارف، ص ۴۳۲ - ۴۳۳.
۲. برای اطلاعات بیشتر، رک: فروهی و دیگران، «نامه‌های امامان شیعه از عصر امام کاظم (ع) تا آغاز غیبت کبری»، پژوهشنامه تاریخ تشیع، ش ۱، ص ۹۱ - ۱۰۷.
۳. صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۸۵.
۴. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۱۸؛ صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۸۷.
۵. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۵۰.



نقش خاندان مهزیار در زمینه تفسیر

راویان و محدثان نخستین عمدتاً به نقل احادیثی در تفسیر قرآن پرداختند. بدین ترتیب، حدیث و تفسیر قرآن پیوندی دیرین دارند.^۱ اولین گروه از مفسران، تعدادی از اصحاب پیامبر ﷺ و ائمه اطهار، طبقه دوم مفسران، تابعان و طبقه سوم، گروهی از اصحاب امامان اطهار بودند که به تفسیر یا نگارش در باره علم تفسیر پرداختند.^۲ در خصوص سهم و نقش خاندان مهزیار در زمینه رشد و گسترش تفسیر شیعه، می‌توان گفت از آنجا که از عهد صحابه میان حدیث و تفسیر ارتباط عمیقی وجود داشته، بنابراین، افرادی از خاندان مهزیار نیز روایاتی در زمینه تفسیر از ائمه اطهار نقل کرده‌اند.

۱. معارف و دیگران، حدیث و حدیث پژوهی، ص ۱۹ - ۲۰.

۲. عمیدزنجانی، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، ص ۵۹.

اثری با عنوان تفسیر قرآن در کارنامه علی بن مهزیار گزارش شده است.^۱ در باره این تفسیر گفته شده است که علی بن مهزیار، محتوای تفسیر حسین بن سعید اهوازی را در تفسیر خود آورده و آن را شرح و بسط داده است.^۲ آقابزرگ تهرانی معتقد است وی تفسیری مستقل داشته که به تفسیر مهزیار موسوم بوده است^۳ و از او با عنوان «صاحب تفسیر» یاد می‌کند.^۴ همچنین، طوسی در بین آثار علی بن مهزیار از کتابی به عنوان حروف القرآن نام برده است.^۵ روایات تفسیری وی، به عنوان منبعی برای مفسران مورد توجه بوده است؛ چنان که عیاشی (م. ۳۲۰ق)، در اثر خود، دو روایت را مستقیم و بدون واسطه^۶ از او نقل کرده است. از این رو، به نظر می‌رسد عیاشی، کتاب التفسیر ابن مهزیار را در دست داشته است.

۲۶ روایت تفسیری از این خاندان در کتب تفسیر قمی، عیاشی و برخی کتب حدیثی ثبت شده است. این روایات تفسیری، همان طور که در نمودار ذیل ملاحظه می‌شود، از علی بن مهزیار، ابراهیم بن مهزیار و حسن بن علی بن مهزیار نقل شده‌اند. بیشترین این روایات، یعنی ۸۸٪ روایات، از علی بن مهزیار^۷ نقل شده است و حتی حسن^۸ و

۱. نجاشی، رجال نجاشی، ص ۲۵۳ - ۲۵۴.

۲. علامه حلی، رجال العلامة الحلی، ص ۳۹.

۳. آقابزرگ تهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۴، ص ۲۴۹.

۴. همان، ص ۴۰۴.

۵. طوسی، فهرست کتب الشیعة وأصولهم وأسماء المصنّفین وأصحاب الأصول، ص ۲۶۵.

۶. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۳؛ همان، ج ۲، ص ۱۸۳.

۷. قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۵۴ و ۳۶۹؛ همان، ج ۲، ص ۵۸، ۲۲۳ و ۲۷۳؛ عیاشی، تفسیر عیاشی،

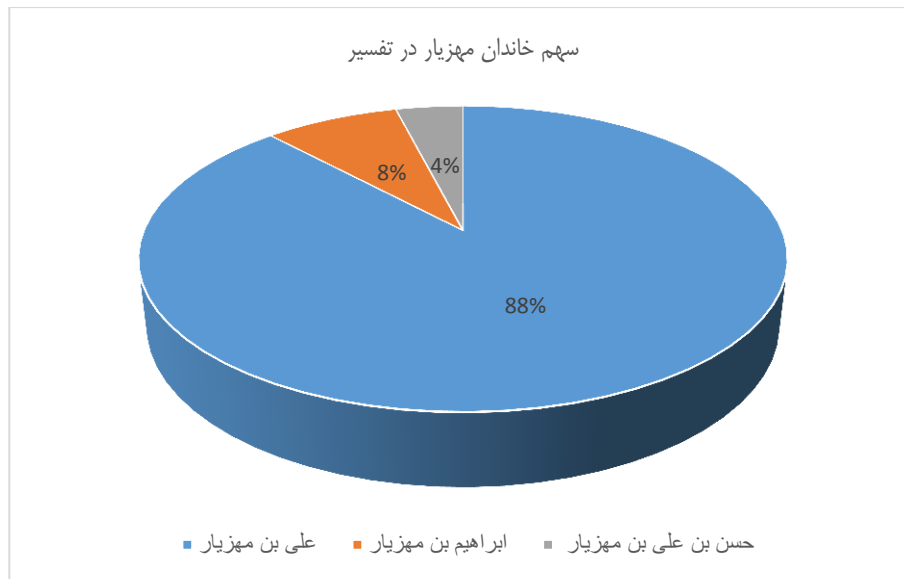
ج ۱، ص ۱۷۳، ۱۸۳ و ۲۰۴؛ ابن عقده، فضائل امیر المؤمنین علیه السلام، ص ۲۰۶؛ صدوق، خصال، ج ۱،

ص ۴۱؛ همان، ج ۲، ص ۳۵۶ و ۵۳۲؛ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۱۵؛ صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۵۲؛

مفید، امالی، ص ۱۸۲، ۱۹۶، ۲۰۵، ۲۰۶ و ۲۰۷؛ ابن طاووس، فلاح السائل، ص ۴۳ و ۲۶۶.

۸. قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۳۵.

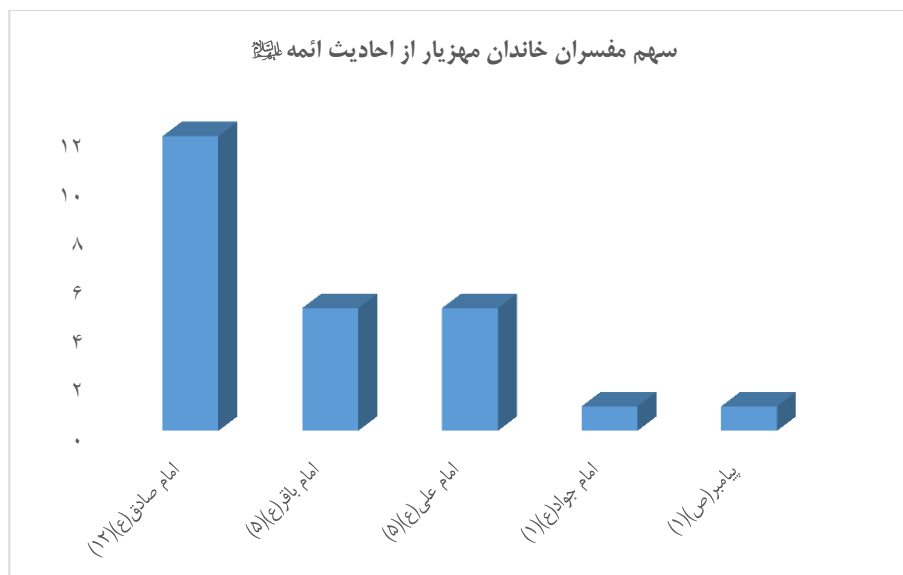
ابراهیم^۱ نیز روایات تفسیری خود را به استناد علی بن مهزیار گزارش کرده‌اند. این موضوع، نشان از شخصیت محوری علی بن مهزیار در این خاندان است.



همچنین این روایات، از پیامبر ﷺ، امام علی علیه السلام، امام باقر علیه السلام، امام صادق علیه السلام و امام جواد علیه السلام گزارش شده‌اند و بیشترین تعداد روایات، از امام صادق علیه السلام نقل شده است. تمام روایات تفسیری ابن مهزیار، نقل با واسطه از معصومان علیهم السلام بوده است و تنها یک روایت را بدون واسطه و مستقیم از امام جواد علیه السلام نقل می‌کند.^۲ با توجه به اینکه آل مهزیار هیچ روایت تفسیری از صحابه و تابعین نقل نمی‌کنند، می‌توان به باور و اعتقاد آنان در عدم اعتماد به تفسیر غیر معصومان علیهم السلام پی برد.

۱. همان، ص ۲۸۸؛ ابن طاووس، *فلاح السائل*، ص ۲۶۶.

۲. عیاشی، *تفسیر عیاشی*، ج ۱، ص ۲۰۴.



نقش خاندان مهزیار در زمینه تاریخ

حدیث، به مثابه منبعی تاریخی برای شناسایی حوادث سیاسی و اجتماعی و گرایش‌های مختلف در دوران جاهلی و جامعه صدر اسلام تا نیمه اول سده سوم هجری است. پیوند حدیث و تاریخ، در تدوین اخبار سیره و مغازی پیامبر صلی الله علیه و آله نیز مشهود است و به تدریج مطالعات سیره، یکی از شاخه‌های مطالعه حدیثی گردید.^۱ نگارش نخستین متون تاریخی را به اصحاب امامان علیهم السلام و به طور خاص به سده اول و زمان نزدیک به امام علی علیه السلام نسبت می‌دهند.^۲ به هر روی، اصحاب امامان علیهم السلام از دیرباز به تألیف و تدوین تاریخ پرداختند و آثار ارزشمندی نیز نگاشتند.^۳ در این میان، خاندان مهزیار در کنار دیگر شیعیان، به نقل روایات

۱. معارف و دیگران، حدیث و حدیث پژوهی، ص ۵۵.

۲. ناجی، تاریخ‌نگاری شیعیان، ص ۷۹.

۳. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه، رک: حسینیان مقدم، *تطورشناسی سیره‌نگاری با تکیه بر*

نقش اصحاب امامان، ص ۱۱۷ - ۲۵۳.

تاریخی نیز توجه نشان داده‌اند. بخشی از آثار و روایات آل مهزیار را می‌توان در ذیل موضوعات تاریخی قرار داد؛ چنان که کتاب‌های: *اسلام سلمان، کتاب الانبیاء و وفات ابوذر*^۱ اثر علی بن مهزیار، در ذیل این موضوع قرار دارد. نمونه‌هایی از احادیث این آثار، در متون متأخر تداوم یافته است.

اما دسته دیگر از نگاشته‌های خاندان مهزیار در باره تاریخ را باید در ذیل کتب کلامی - تاریخی قرار داد. در توضیح این امر، باید افزود که با توجه به اینکه در دوره ائمه متأخر، یکی از مسائلی که مورد مناقشه مخالفان شیعه قرار می‌گیرد، مسئله امامت و اثبات نص بر آن و حقانیت امامان در برابر خلفا، و نیز مسئله غیبت امام عصر (عج) بود، نخبگان شیعی هر یک در پاسخ به این مسائل سعی داشتند. برخی از آنان با تمسک به گزاره‌های تاریخی، درصدد پاسخ به این شبهه‌های وارد شده برآمدند و در این راستا، کتاب‌های کلامی - تاریخی نوشتند. خاندان مهزیار نیز تک‌نگاری‌هایی در این باره به رشته تحریر درآوردند؛ کتاب‌های: *الفضائل، المثالب، فضائل المؤمنین وبرهم، الملاحم، القائم و البشارات*^۲، از جمله این آثار می‌باشند.

از جمله روایات تاریخی که افراد این خانواده به نقل آن پرداخته‌اند، این موارد است: تولد و وفات ائمه عليه السلام^۳، جریان‌های تاریخی از ابتدای خلقت آدم و آفرینش جهان تا روزگار آنها^۴، ذوالقرنین^۵، اصحاب کهف^۶، گم شدن شتر پیامبر در غزوه

۱. طوسی، فهرست کتب الشیعه وأصولهم وأسماء المصنفین وأصحاب الأصول، ص ۲۶۵ - ۲۶۶.

۲. نجاشی، رجال، ص ۲۵۳.

۳. همان.

۴. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۷، ۴۶۱، ۴۶۳، ۴۶۸، ۴۷۲، ۴۷۵، ۴۸۶، ۴۹۱، ۴۹۷ و ۵۱۸.

۵. صفار، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۶ و ۲۰.

۶. صدوق، امالی، ص ۴۶۴.

۷. قطب‌الدین راوندی، قصص الانبیاء، ص ۲۶۳؛ صدوق، الأمالی، ص ۴۶۴.

تبوک^۱، غزوه بنی مصطلق^۲، اسلام آوردن سلمان فارسی^۳، تازیانه در دست داشتن علی علیه السلام و توصیه ایشان به تاجران برای آسان‌گیری در تجارت و روزی خواستن از خدا^۴، سخن گفتن امام هادی علیه السلام به زبان صقلابی^۵، زلزله قم^۶، خواب مادر امام حسن عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ق^۷، خروج از مصر^۸، صلح امام حسن علیه السلام با معاویه در نخیله^۹، معرفی برخی فرقه‌های انحرافی، ماجرای زینب کذاب^{۱۰}.

۱. قطب‌الدین راوندی، *قصص الانبیاء*، ص ۳۰۸.

۲. صدوق، *الأمالی*، ص ۱۷۳.

۳. قطب‌الدین راوندی، *قصص الانبیاء*، ص ۳۰۲؛ صدوق، *کمال‌الدین و تمام النعمه*، ج ۱، ۱۶۱ - ۱۶۲.

۴. مفید، *امالی*، ص ۱۹۸.

۵. صفار، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد*، ج ۱، ص ۳۳۴؛ ابن شهر آشوب، *مناقب آل ابی طالب*، ج ۴، ص ۴۰۸؛ اربلی، *کشف الغمه*، ج ۲، ص ۳۹۸. در باره زبان صقلابی، باید گفت: «اعراب، اسلاوها را به این نام (صقلاب) می‌خوانند و صقالبه، نسلی هستند که سرزمینشان هم‌مرز سرزمین خزر است و بین بلغارستان و قسطنطنیه قرار دارد. در واقع، زبان صقلابی، همان زبان اسلاوی است.» (ر.ک: حسن عرفان، «زبان آگاهی پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام»، *علوم حدیث*، ش ۶، ص ۱۶۲ - ۱۸۶)

۶. صدوق، *علل الشرائع*، ج ۲، ص ۵۵۲.

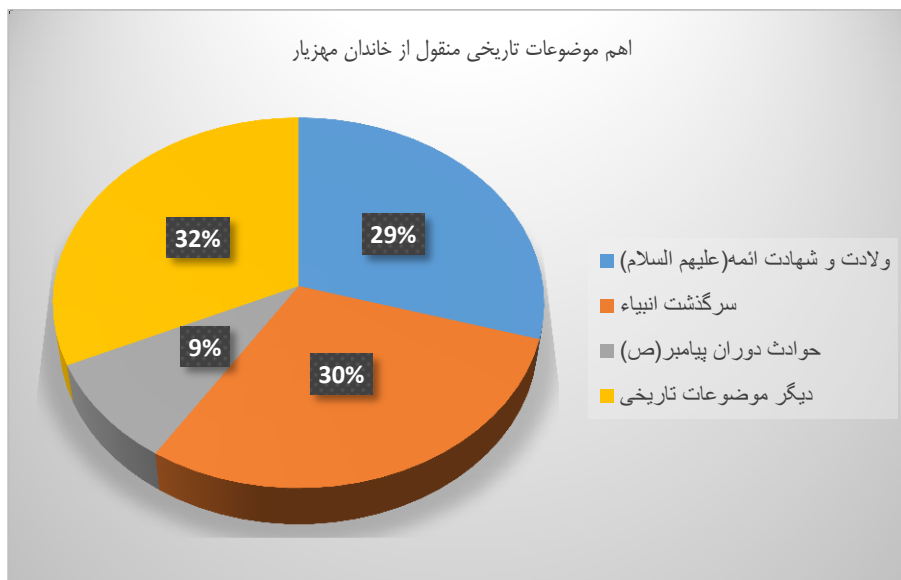
۷. ابن طاووس، *الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف*، ص ۱۷۵.

۸. صدوق، *عیون أخبار الرضا*، ج ۲، ص ۲۲۲.

۹. ابن طاووس، *فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم*، ص ۴۵۲.

۱۰. ابن حمزه طوسی، *الناقب فی المناقب*، ص ۵۴۵؛ ابن شهر آشوب، *مناقب آل ابی طالب*، ج ۴، ص ۴۱۶.

در مجموع، می‌توان گفت با توجه به روایت‌های باقیمانده، ورود خاندان مهزیار به تاریخ، در جهت اثبات عقاید شیعی بوده است.



نقش خاندان مهزیار در دیگر علوم

خاندان مهزیار در کنار دیگر عالمان، به نگارش آثاری در موضوع اخلاق پرداخته‌اند؛ چنان‌که نگارش دو کتاب زهد و کتاب *التجمل والمروة* در بین آثار علی بن مهزیار درخور توجه است.^۱ شایان ذکر است که علی بن مهزیار خود از زهاد بوده است. ابن طاووس در توصیف زهد او می‌نویسد پیشانی علی بن مهزیار به دلیل زیاد نماز خواندن، مثل زانوی شتر شده بود.^۲ اهتمام او به معنویت، او را به نگارش کتاب *الدعا* سوق داد.^۳ ابن طاووس

۱. نجاشی، رجال، ص ۲۵۳.

۲. ابن طاووس، الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، ج ۱، ص ۱۹۵.

۳. نجاشی، رجال، ص ۲۵۳.

(م. ۶۶۴ق)، در قرن هفتم از این کتاب استفاده کرده است.^۱ به هر روی، محدثان خاندان مهزیار، روایت‌هایی بسیاری در زمینه مکارم اخلاقی مانند: صداقت و راستگویی^۲، امانتداری^۳، شکر نعمت^۴، پاداش و کیفر اعمال^۵ نقل کرده‌اند.

خاندان مهزیار، احادیث بسیاری در باره دعا، انواع آن، شرایط و چگونگی استجابت دعا^۶، دعای آمرزش گناهان^۷، دعای خیر دنیا و آخرت^۸ نقل کرده‌اند؛ چنان که پیش از این آمد، در بین آثار علی بن مهزیار، اثری به نام کتاب الدعاء دیده می‌شود. می‌توان گفت این خاندان در تدوین مجامع دعایی امامیه، سهم بسزایی داشته‌اند. از دیگر روایت‌های این خاندان، مباحث مربوط به زیارت است که ۴۸ روایت از این خاندان در این زمینه بر جای مانده است.^۹ اگر قسمت مزار را که در باره احکام زیارت است، به این بخش بیفزاییم، بخش قابل توجهی به این امر اختصاص می‌یابد.

۱. ابن طاووس، فتح الأبواب بین ذوی الألباب و بین ربّ الأرباب، ص ۱۴۲، «ما رواه سعد بن عبدالله

فی کتاب الأدعیة عن علی بن مهزیار قال: ...»

۲. مفید، الأمالی، ص ۱۹۲ - ۱۹۳.

۳. صدوق، الأمالی، ص ۵۰۸.

۴. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۶۳.

۵. ابن بابویه، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۳۳.

۶. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۶۰؛ ابن بابویه، الإمامة و التبصرة من الحيرة، ص ۱۲۷.

۷. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۳۴۲.

۸. همان، ص ۳۴۶.

۹. رک: ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۶، ۲۴، ۲۶، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۶، ۴۸، ۴۹، ۶۵، ۷۷،

۸۵، ۹۳، ۱۰۶، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۶۰، ۱۸۸، ۱۹۱، ۱۹۸، ۲۲۳، ۲۴۹، ۲۵۴، ۲۵۸،

۲۸۰ و ۲۸۳ و ۳۰۶.

همچنین، از این خاندان، روایاتی در زمینه پزشکی مانند: شیوه درست کردن عرقیات^۱، فواید سویق عدس^۲ و تأثیر خوردن گوشت کبوتر در درمان یرقان^۳ نقل شده است. روایت‌هایی دیگری از این خاندان، چون: ساخت ساعت توسط علی بن مهزیار بر اساس درخواست امام هادی علیه السلام^۴ و نوشته سنگ فیروزه انگشتر امام موسی کاظم علیه السلام^۵ نقل شده است.

نتیجه

آنچه گذشت، تتبعی بود در روایت‌های خاندان مهزیار در متون روایی شیعه از سده سوم تا هفتم. هدف این بود تا با بررسی این روایت‌ها، تأثیر خاندان مهزیار در انتقال و گسترش علوم و معارف شیعی روشن شود. آل مهزیار در کنار سایر خاندان‌های شیعی در دوره حضور ائمه علیهم السلام، پایه و اساس مبانی فکری شیعه را که توسط امامان علیهم السلام بیان می‌شد، گردآوری و تدوین کردند و در استوار نمودن اعتقادات شیعی تأثیر داشته‌اند. مؤلفه‌های علم، زهد، وثاقت، نزدیکی و ارتباط با ائمه علیهم السلام و جایگاه آنان نزد ائمه علیهم السلام، سبب حفظ و تداوم روایات آنان در منابع پسینی گردید. اوج بهره‌گیری از احادیث خاندان مهزیار، در متون سده چهارم و پنجم بازتاب یافته است؛ به طوری که ۸۸٪ از احادیث بازمانده از آنان، مربوط به این قرون است؛ چراکه مهم‌ترین متون حدیثی شیعه و کتب اربعه، در این قرون نگاشته شد. علاوه بر این، در بررسی روایات این خاندان، آنچه پیش از همه به چشم می‌آید، نقش

۱. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۲۷.

۲. همان، ص ۳۰۷.

۳. همان، ص ۳۱۲.

۴. صفار، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، ج ۱، ص ۳۳۷.

۵. صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۷۵.

محوری علی بن مهزیار در نقل احادیث ائمه علیهم السلام است. بیشترین احادیث این خاندان، به نقل از او آمده و دیگر افراد خاندان، اغلب راوی روایت‌های علی بن مهزیارند. همچنین، بیشترین احادیث منقول آل مهزیار، مربوط به دوره صادقین علیهم السلام است، که ۶۳٪ را دربرمی‌گیرد.

با توجه به همین روایات برجای مانده آنان در متون سده سوم تا هفتم، می‌توان به نقش خاندان مهزیار در علوم: حدیث، فقه، کلام، تفسیر، تاریخ و اخلاق پی برد. بررسی روایات منقول از آل مهزیار نشان می‌دهد که گرایش این خاندان در زمینه علوم، گرایش نقلی بوده است. از این رو، در رشد رویکرد نقل‌گرایانه در مذهب شیعه تأثیرگذار بوده‌اند. بیشترین روایات آل مهزیار، در زمینه فقه است؛ به طوری که ۶۲٪ از احادیث این خاندان را دربرمی‌گیرد. این خاندان در تمام ابواب فقهی مختلف، احادیثی را از ائمه نقل نموده‌اند. البته آمار نشان می‌دهد که بخش «عبادات»، ۷۳٪ این روایات فقهی را به خود اختصاص می‌دهد. این موضوع، با توجه به نیاز جامعه به دانستن احکام فقهی آن مسائل و موضوعات است. در این میان، احکام نماز (۵۶٪) بیشترین میزان، و جهاد و امر به معروف از کمترین فراوانی برخوردارند.

پس از فقه، روایات کلامی، بیشترین فراوانی را داراست که ۲۱٪ از احادیث برجای مانده از این خاندان را شامل می‌شود. در میان موضوعات کلامی، امامت (۶۹٪) و مسئله غیبت (۲۴٪)، محوری‌ترین مباحث کلامی مورد توجه خاندان مهزیار بوده است. علت فراوانی این روایات را باید در چالش‌های پیش روی شیعیان چون جریان غلو و غالیان و سردرگمی شیعیان پس از غیبت امام عصر (عج) و ادعای امامت جعفر کذاب دانست. همچنین، مشخص شد که علاوه بر فقه و کلام، در تفسیر ۳٪، تاریخ ۳٪، اخلاق ۴٪ و سایر موضوعات مانند دعا و زیارت، ۶٪ از احادیث توسط این خاندان بر جای مانده است.

منابع

۱. ابن ادریس، محمد بن احمد، ۱۴۱۰ق، *السرائر الحاوی التحریر الفتاوی*، تحقیق: حسن بن احمد الموسوی و ابوالحسن بن مسیح، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲. ابن بابویه، علی بن حسین، ۱۴۰۴ق، *الإمامة والتبصرة من الحيرة*، تحقیق: مدرسه امام مهدی (عج)، قم، مدرسه الإمام المهدی (عج).
۳. ابن حمزه طوسی، محمد بن علی، ۱۴۱۹ق، *الناقب فی المناقب*، تحقیق: نبیل رضا علوان، قم، انصاریان.
۴. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ۱۳۸۰ق، *معالم العلماء*، نجف، المطبعة الحیدریة.
۵. —، ۱۳۷۹ق، *مناقب آل أبی طالب*، قم، نشر علامه.
۶. ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۴۰۰ق، *الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف*، تهران، خیام.
۷. —، ۱۴۱۳ق، *الیقین باختصاص مولانا علی ۷ بامرة المؤمنین*، تحقیق: اسماعیل انصاری زنجانی خوئینی، قم، دار الكتاب.
۸. —، ۱۴۰۹ق، *فتح الأبواب بین ذوی الألباب و بین رب الأرباب*، تحقیق: حامد خفاف، قم، مؤسسة آل البيت.
۹. —، ۱۴۰۰ق، *فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم*، قم، دار الذخائر.
۱۰. ابن قولویه، جعفر بن محمد، ۱۳۵۶، *کامل الزیارات*، تحقیق: عبدالحسین امینی، نجف، دار المرتضویة.
۱۱. ابوالصلاح الحلبي، تقی بن نجم، ۱۴۰۴ق، *تقریب المعارف*، تحقیق: فارس تبریزبان (الحسون)، قم، الهادی.
۱۲. احمدی کجایی، مجید، ۱۳۹۲، «بررسی چگونگی تقابل ائمه با جریان های غالبانه از آغاز تا دوره امام صادق ۷»، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، س ۴، ش ۱۰: ۹۵ - ۱۱۴.
۱۳. اربلی، علی بن عیسی، ۱۳۸۱ق، *کشف الغمة فی معرفة الأئمة*، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تبریز، بنی هاشم.
۱۴. آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۸ق، *الذریعة لتصانیف الشیعة*، قم، ناشر اسماعیلیان.

۱۵. برقی، احمد بن محمد بن خالد، ۱۳۴۲، رجال البرقی، الطبقات، تحقیق: محمد بن الحسن طوسی و حسن مصطفوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. جباری، محمدرضا، ۱۳۸۲، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۷. چلونگر، محمدعلی؛ صادقانی، مجید و پیرمادیان، مصطفی، ۱۳۹۷، بوم‌شناسی تاریخی جریان‌های فکری اصحاب ائمه؛ با تأکید بر دو مفهوم امامت و عقل، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۸. حاجی‌زاد، یدالله، ۱۳۹۵، «غالیان در دوره امام جواد (علیه السلام) و نوع برخورد آن حضرت با آنان»، تاریخ اسلام، س ۱۷، ش: ۲۱۳ - ۲۳۸.
۱۹. حرّ عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌بیت (علیهم السلام).
۲۰. حسینیان مقدم، حسین، ۱۳۹۵، تطورشناسی سیره‌نگاری با تکیه بر نقش اصحاب امامان، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۱. حسینی شوشتری، سید نورالله، ۱۳۷۷، مجالس المؤمنین، تهران.
۲۲. حلی، حسن بن علی بن داود، ۱۳۴۲، الرجال (لابن داود)، تهران، دانشگاه تهران.
۲۳. سعادت‌نژاد، سید میثم، ۱۳۹۴، «جایگاه یونس بن عبدالرحمن در کلام امامیه»، حدیث و اندیشه، ش ۱۹: ۷۱ - ۹۱.
۲۴. شفیعی، سعید، ۱۳۸۷، «گام‌های شکل‌گیری نخستین مکتب حدیثی شیعه»، علوم حدیث، ش ۴۷: ۱۱۳ - ۱۴۵.
۲۵. شهابی، محمود، ۱۳۴۰، دوار فقه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۶. شهید ثانی، محمد بن حسن، ۱۴۱۹ق، استصقاء الاعتبار فی شرح الاستبصار، قم، مؤسسه آل‌البیت.
۲۷. شوشتری، محمد تقی، ۱۴۱۸ق، قاموس الرجال، قم، نشر اسلام.
۲۸. شیخ صدوق، ۱۳۷۶ش، الامالی، تهران، کتابچی.
۲۹. —، ۱۳۹۸ق، التوحید، تحقیق: هاشم حسینی، قم، جامعه مدرسین.

۳۰. —، ۱۳۶۲ش، *الخصال*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
۳۱. —، ۱۴۰۶ق، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، قم، دار الشریف الرضی.
۳۲. —، ۱۳۸۵، *علل الشرائع*، قم، کتاب فروشی داوری.
۳۳. —، ۱۳۷۸ق، *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، تحقیق: مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان.
۳۴. —، ۱۳۹۵ق، *کمال الدین و تمام النعمة*، محقق: علی اکبر غفاری، قم، اسلامیة.
۳۵. —، ۱۴۱۳ق، *من لا یحضره الفقیه*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳۶. صفار، محمد بن حسن، ۱۴۰۴ق، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد*، تحقیق: محسن بن عباسعلی کوجه باغی، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۳۷. طباطبایی، سید محمد، ۱۳۶۳، *تفسیر المیزان*، ترجمه: سید محمد باقری موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳۸. طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۰۳ق، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، تحقیق: محمد باقر خراسان، مشهد، نشر مرتضی.
۳۹. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۹۰ق، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، تهران، نشر اسلامیة.
۴۰. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۲۰ق، *فهرست کتب الشیعة وأصولهم وأسماء المصنّفین وأصحاب الأصول*، تحقیق: عبدالعزیز طباطبائی، قم، مکتبه المحقق الطباطبائی.
۴۱. —، ۱۳۷۳، *رجال الطوسی*، تصحیح: جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسین.
۴۲. —، ۱۳۹۰ق، *الإستبصار فیما اختلف من الأخبار*، تحقیق: حسن الموسوی خراسان، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۴۳. —، ۱۴۱۱ق، *الغیبة/ کتاب الغیبة للحجة*، تحقیق: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم، دار المعارف الإسلامیة.
۴۴. —، ۱۴۰۷ق، *تهذیب الأحکام*، تحقیق: حسن الموسوی خراسان، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۴۵. —، ۱۳۸۹ق، *رجال*، قم، نشر اسلامی.

۴۶. عرفان، حسن، ۱۳۷۶، «زبان آگاهی پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام»، علوم حدیث، ش ۶: ۱۶۲ - ۱۸۶.
۴۷. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، ۱۴۱۱ق، رجال العلامة الحلی، محمدصادق بحر العلوم، نجف، دار الذخائر.
۴۸. عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۶۶، مبانی و روش های تفسیر قرآن، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۹. فتال نیشابوری، محمدبن احمد، ۱۳۷۵، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، قم، انتشارات رضی.
۵۰. فروهی، آرمان؛ چلونگر، محمدعلی و سمیه، مؤمنه، ۱۳۹۶، «نامه های امامان شیعه؛ از عصر امام کاظم علیهم السلام تا آغاز غیبت کبری»، پژوهشنامه تاریخ تشیع، انجمن ایرانی تاریخ اسلام، س ۱، ش ۱: ۹۱ - ۱۰۷.
۵۱. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، ۱۴۰۶ق، الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علیهم السلام.
۵۲. قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله، ۱۴۰۹ق، الخرائج والجرائح، قم، مؤسسه امام مهدی (عج).
۵۳. —، ۱۳۷۸، جلوه های اعجاز معصومین علیهم السلام، ترجمه: غلام حسن محرمی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۵۴. —، ۱۴۰۹ق، قصص الأنبياء علیهم السلام، تحقیق: غلامرضا عرفانیان یزدی، مشهد، مرکز پژوهش های اسلامی.
۵۵. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ق، تفسیر القمی، تحقیق: طیب موسوی جزائری، قم، دار الكتاب.
۵۶. کشی، محمد بن عمر، ۱۳۶۳، رجال الکشی؛ اختیار معرفة الرجال (مع تعلیقات میرداماد الأسترآبادی)، تحقیق: مهدی رجایی، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۵۷. —، ۱۴۰۹ق، رجال الکشی؛ اختیار معرفة الرجال، تحقیق: محمد بن حسن طوسی و حسن مصطفوی، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد.
۵۸. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الإسلامیه.

۵۹. گرامی، سید محمدهادی، ۱۳۹۶، *نخستین اندیشه‌های حدیثی شیعه؛ رویکردها، گفتمان‌ها، انگاره‌ها و جریان‌ها*، با مقدمه دکتر احمد پاکتچی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۶۰. گرجی، ابوالقاسم، ۱۳۷۵، *تاریخ فقه و فقها*، تهران، سمت.
۶۱. مامقانی، عبدالله، ۱۳۵۲، *تنقیح المقال*، ج ۳، الخاتمة، بی‌جا، بی‌نا.
۶۲. —، ۱۴۲۴ق، *تنقیح المقال فی علم الرجال*، قم، آل‌البیت.
۶۳. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، تحقیق: جمعی از محققان، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۶۴. مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی، ۱۴۱۴ق، *لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه*، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
۶۵. محقق حلی، جعفر بن حسن، بی‌تا، *شرائع الاسلام*، ترجمه: ابوالقاسم بن احمد یزدی، به کوشش: محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۶۶. مدیرشانه‌چی، کاظم، ۱۳۷۷ق، *تاریخ حدیث*، تهران، انتشارات سمت.
۶۷. مسعودی، علی بن حسین، ۱۳۸۴، *اثبات الوصیة للامام علی بن ابی‌طالب*، قم، انصاریان.
۶۸. مظفر، محمدرضا، ۱۳۸۶، *اصول الفقه (با شرح فارسی)*، شارح: عبدالله اصغری، قم، نشر سید عبدالله اصغری.
۶۹. معارف، مجید، مهدوی راد، محمدعلی و دیگران، ۱۳۸۹، *حدیث و حدیث‌پژوهی*، تهران، نشر کتاب مرجع.
۷۰. معارف، مجید، ۱۳۷۶، «درآمدی بر تاریخ حدیث شیعه»، دانشگاه انقلاب، ش ۱۱۰: ۶۷ - ۸۲.
۷۱. —، ۱۳۹۳، *تاریخ عمومی حدیث*، تهران، انتشارات کویر.
۷۲. مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ق، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید.
۷۳. —، ۱۴۱۳ق، *الأمالی*، تحقیق: حسین ولی و علی‌اکبر غفاری، قم، کنگره شیخ مفید.
۷۴. —، ۱۴۱۳ق، *المقنعة*، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۷۵. مقدسی، محمد بن احمد، ۱۳۶۱، *أحسن التقاسیم*، ترجمه: علی نقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان.

۷۶. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، ۱۴۱۳ق، معجم رجال الحديث وتفصیل طبقات الرواة، قم، الثقافة الاسلامیة فی العالم.
۷۷. ناجی، محمدرضا، ۱۳۹۳، تاریخ نگاری شیعیان، تهران، نشر کتاب مرجع.
۷۸. نجاشی، احمد بن علی، ۱۳۶۴ق، رجال النجاشی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۷۹. نجم الدوله، عبدالغفار بن علی محمد، ۱۳۸۶، سفرنامه دوم نجم الدوله به خوزستان، تصحیح: احمد کتابی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۸۰. نعمانی، ابو عبدالله محمد بن ابراهیم بن جعفر کاتب (ابن ابی زینب)، ۱۳۹۷ق، الغیبه، ترجمه: علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق.
۸۱. هدایت پناه، محمدرضا، ۱۳۹۶، «مواجهه حوزه اهواز با فرقه‌های مذهبی؛ تبیین اعتقادات شیعی در دوران ابناء الرضا علیهم‌السلام»، سخن تاریخ، س ۱۱، ش ۲۶: ۲۲۱ - ۲۴۸.
۸۲. هدایت پناه، محمدرضا و خانجانی، قاسم، ۱۳۹۵، «مناسبات فکری دو حوزه علمی تشیع قم و اهواز در قرن‌های دوم و سوم هجری»، تاریخ اسلام، س ۱۷، ش ۴: ۷ - ۵۱.
۸۳. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله، ۱۹۹۵م، معجم البلدان، بیروت، دار صادر.

